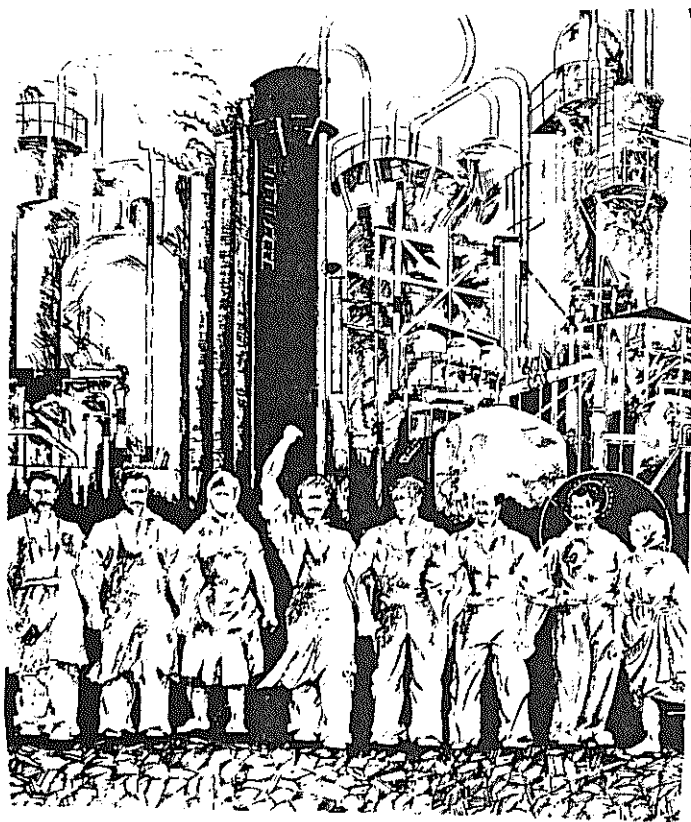


چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن
ششمین سالگشت ۲۲ بهمن

کارگران ایران پیشتاز جنبش توده‌ای



"در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیئت حاکمه است. جنبش مطالباتی و اعتراضی توده کارگران گسترش و عمق می یابد. خواسته‌های این جنبش عمده اقتصادی است و درآمیخته با آگاهی سیاسی و طبقاتی دنبال میشود. اشکال عمده مبارزه کارگران عبارتند از اعتصاب، کمکاری و انواع اعتراضات دسته جمعی. تشکلهای کارگری تغییر شکل می یابند و بر شرایط تازه منطبق میشوند."

"ایجاد هسته‌های مخفی متشکل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده‌ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. جنبش توده‌ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد."

فهرست مطالب

- ۴ - مطالبات و مبارزات صنفی کارگران
- ۱۹ - مبارزه کارگران در واحدهای صنعتی
- ۲۶ - همبستگی کارگران ایران با اعتصابگران قهرمان معادن انگلیس
- ۳۰ - نقش و ضرورت هسته‌های مخفی کارگری
- ۳۵ - سه اعتصاب بزرگ در واحدهای صنعتی
- ۳۷ - اعتصاب قهرمانانه کارگران شرکت ساسان (کانادا درای) ..
- ۴۱ - پیام اتحادیه دمکراتیک کارگران ذوب آهن پاکستان به کارگران مبارز ساسان
- ۴۲ - اعتصاب بزرگ کارگران ذوب آهن
- ۴۶ - پیام پشتیبانی از کارگران اعتصابی ذوب آهن

"ما اعتصاب کرده‌ایم تا بار دیگر در صفوف ملت مبارز ایران
استبداد را ویران سازیم و نفوذ بیگانه را در وطن قطع کنیم
و ایرانی مستقل، آزاد و مترقی و آباد بوجود آوریم. این حق
مسلم و لایزال ملت ایران است و برای احقاق آن از هیچ فداکاری
فروگذار نخواهد کرد."

سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران - دیماه ۵۷

۰۰۰ انقلاب با شرکت همه اقشار و طبقات ملی و دمکراتیک
به نیروی دهها میلیونی زحمتکشان به پیروزی رسید و نیروی طبقه
کارگر در این پیروزی نقش تعیین کننده داشت...

از قطعنامه پلنوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان
درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی

مطالبات و مبارزات صنفی کارگران

کارگران میهن ما که در انقلاب بهمن نقش تعیین کننده داشتند، مجدداً در برابر وضعی که علیه آن انقلاب کردند، قرار گرفته اند. این وضعیت کارگران را به مبارزه علیه هیات حاکمه کشانده است.

نگاهی گذرا به اعتراضات اخیر کارگران نشان می دهد که این اعتراضات نسبت به سال گذشته همچنان در حال گسترش است. این اعتراضات هنوز بطور عمده مضمون مطالباتی و صنفی دارد اما در بسیاری موارد جنبه سیاسی به خود می گیرد و به درگیری با مدیران دولتی، وزارتخانه ها و ارگانهای سرکوب رژیم منجر می شود.

اشکال مبارزه جاری کارگران متنوع است. مراجعه اعتراضی به مسئولان، کم کاری، تحصن، اعتصاب، طومار نویسی و غیره از این زمره است. تعداد تحصن و اعتصابات همچنان در حال فزونی است و سهم و نقش بیشتری در مبارزه کارگران می یابد.

در شرایط کنونی افزایش دستمزد، پاداش افزایش تولید، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، حق اولاد، اختصاص درصد معینی از محصولات کارخانه به کارگران، بیمه، تامین ایمنی محیط کار، کاهش ساعات کار، لغو اضافه کاری اجباری، لغو مرخصی اجباری بدون استفاده از حقوق، تامین مسکن، لغو اخراجهای خودسرانه، حق تشکلات و انتخاب نماینده، قطع مداخله انجمنهای اسلامی، حراست، دادرسیها و کمیته وسپاه علیه کارگران، مخالفت با تخصیص حقوق کارگران برای جنگ، مخالفت با گسیل اجباری کارگران به جبهه و مبارزه در راه تصویب قانون کار مترقی مضامین مبارزه کارگران ایران است:

مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار

مبارزه در راه افزایش دستمزد و درآمد عمومی ترین خواست است. کارگران است. با تشدید گران تورم و ثابت ماندن حداقل دستمزد، قدرت خرید کارگران مرتباً کاهش یافته است. از این رو مبارزه در راه افزایش درآمد پدیده ای تر شده است. از آغاز سال جاری تا کنون اعتراضات و اعتصابات پرشماری در این رابطه صورت گرفته است.

مهمترین اعتراضات چنین اند:

— در اردیبهشت ۶۳، ۵ هزار کارگر آلبا رکشت و صنعت کارون با

تقاضای اضافه حقوق اعتصاب می کنند. پیش از آن کارمندان این موسسه صنعتی موفق شده بودند، حقوق خود را افزایش دهند. مسئولان تلاش می کنند که کارمندان را علیه کارگران بشورانند. ولی موفق نمی شوند. فرماندار تهدید می کند که اگر در شعارها بیتان الله اکبر نبود، همه را به مسلسل می بستیم. با این همه اعتصاب کارگران پس از ۲ روز موفق می شود. حقوق کارگران ۲۰ درصد افزایش می یابد.

— در اردیبهشت ماه کارگران کشت و صنعت مغان جهت افزایش دستمزد و بازگشت اخراجیان و اخراج مدیرعامل، تحصن و سپس اعتصاب می کنند. اعتصاب سه روز ادامه می یابد.

— در نیمه اول خرداد کارگران مجتمع گوشت زیبا را برای افزایش دستمزد اعتصاب می کنند. علی رغم مخالفت وزارت کار، اعتصاب پس از ۲ روز پیروزی می شود. حقوق کارگران ۳۰ درصد افزایش می یابد.

— کارگران جنرال صنعتی، برای دریافت حقوق یک ماه مرخصی سالانه، حق بهره وری کار را اعتصاب می کنند. نیروهای دادستانی مرکب از جنایتکاران وین علیه کارگران مداخله می کند. اما اعتصاب پس از سه روز پیروزی می شود. کارگران در پایان اعتصاب قطعنامه ای صادر می کنند که در آن تشکیل شورا نیز تقاضا شده است.

— کارگران کارخانه آتمسفر در اعتراض به عدم پرداخت بهره وری سالانه کارخانه را به اختیار خود می گیرند و مانع ورود و خروج محصولات کارخانه می شوند. مبارزه کارگران آتمسفر با عقب نشینی مدیرعامل و پذیرش خواست کارگران به نتیجه می رسد.

— کارگران کارخانه کاشی سعدی شیراز، با پیگیری طولانی و مبارزه متقدم موفق می شوند مدیریت و وزارت کار را به افزایش دستمزد وادارند.

— کارگران کیان تا پیرس از مدت ها اعتراض با لایحه موفق می شوند که دستمزد خود را افزایش دهند.

— در کارخانه روغن نباتی ناب، کارگران به قطع سهمیه ماهانه خود از محصول کارخانه اعتراض می کنند اما اعتراض با اخراج دایمی سه کارگر و اخراج ده کارگر برای یکماه، به نتیجه مطلوب کارگران نمی رسد.

— ۱۵۰ کارگر روزمزد راه آهن مرند علیه قطع پرداخت حق اولاد و مزایا به آنان، اعتصاب می کنند. اعتصاب سه روز ادامه می یابد. مسئولین ناچار می شوند که خواسته های کارگران را بپذیرند.

— اعتصاب کارگران کارخانه لوله سازی جاده ساوه به بخشنا مه وزارت کار که افزایش مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران را مجاز می کرد، اعتراض می کنند. در جریان این اعتصاب ارگانهای سرکوب بصرای درهم شکستن اعتصاب به اسلحه متوسل می شوند. ۴۷ کارگر اعتصابی را دستگیری می کنند.

اعتصاب دوروزه کارگران کیان تا پیر برای اخذ عیدی و افزایش

دستمزد، در جریان این اعتصاب عوامل لاجوردی جنایتکاران را دستان مرکز رژیم، به اسلحه متوسل می شوند.

اعتصاب در کارخانه خودروسازان (ایران ناسیونال) برای پرداخت عیدی به کارگران، علیرغم تهدیدات مسلحانه عوامل لاجوردی، اعتصاب دوروز ادامه می یابد.

اعتصاب کارگران کارخانه تولید پرسی هیدرولیک برای افزایش دستمزد.

کارگران کارخانه استارلایت برای افزایش دستمزد دست به کم کاری زدند. مدیریت واحد سرانجام در برابر اعتراضات کارگران تسلیم شد و نرخ کارمزدی ۳٪ (در هرچین) افزایش یافت.

اعتصاب در قسمت پارچه بافی کارخانه نجات نخریسی فورتکس برای افزایش دستمزد.

کارگران کارخانه بوتان برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند، اعتصاب با افزایش دستمزد از ۱۵ به ۱۸۰ تومان با موفقیت پایان می یابد.

کارگران کارخانه ایران ناسیونال بخاطر افزایش دستمزد اعتصاب کردند، سپاه پاسداران علیه اعتصابگران مداخله کرد، در جریان حمله سپاه، چند کارگر مجروح و دونفر دستگیر شدند.

کارگران بافندگی کشمیر با ختران برای افزایش دستمزد در ۱۵ شهریور تهدید به اعتصاب می کنند، مدیران کارخانه در برابر فشار کارگران تسلیم می شوند.

کارگران کارخانه چینی سازی، رشت برای اجرای طبقه بندی مشاغل، افزایش حقوق و جلوگیری از اخراج در واسط مهرداد اعتصاب می کنند، ارگانهای سرکوب ۵ کارگر اعتصابی را بازداشت می کنند.

به دعوت مسئولین کارخانه احسان بخش نماینده خمینی در گیلان بمنظور شکستن اعتصاب به کارخانه دعوت می شود. علیرغم تهدیدات و نصیحت کارگران توسط احسان بخش، اعتصاب ادامه می یابد.

کارگران و کارمندان سازمان آب در مشهد به دلیل عدم پرداخت اضافه کاری، کارکنان قسمت موتوری اعتصاب می کنند، اعتصاب به مدت یک هفته ادامه می یابد، کارکنان پس از گرفتن موافقت مدیر سازمان با پرداخت پول، به اعتصاب خاتمه می دهند.

در شهریورماه کارگران کارخانه سیلندر سازی وابسته به شرکت نفت بر سر افزایش دستمزد، اعتصاب می کنند.

قبل از تعطیلات تابستانی، کارگران کارخانه جنرال استیل در اعتراض به عدم پرداخت یک ماه عیدی و پاداش سالانه به مدت یک هفته اعتصاب می کنند. پس از آنکه کارگران مبلغ ۲۰۰۰ تومان بطور علی الحساب را دریافت می کنند، اعتصاب پایان می یابد.

دراوایل تابستان کارگران کارخانه چیت ری برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند. کارگران با افزایش دستمزد خود تا ۱۵ تومان

به اعتصاب پایان دادند.

کارگران کارخانه ایران رادیا توربو سیله اعتصاب موفق شدند دستمزد خود را تا ۱۵ تومان افزایش دهند.

دراوایل آبان کارگران کارخانه زامیا دبرای افزایش ۳۰ درصد دستمزد اعتصاب می کنند، اعتصاب با افزایش ۲۰ درصد دستمزد کارگران با موفقیت پایان می یابد.

کارگران شرکت ساسان (کانادادرای) برای حق بهره وری از ۲۸ تیرماه تا ۳ مرداد اعتصاب کردند، این اعتصاب با یورش ارگانهای سرکوب و تیراندازی آنها رو برو شد، ایستادگی قهرمانانه کارگران در برابر وحشیگریهای ارگانهای سرکوب چهره ضد کارگری رژیم را در داخل و خارج از کشور بیش از پیش افشا کرد.

اعتصاب کارگران کارخانه پیله و ریمنظوروا داشتن کارفرما به عدم پرداخت بیمه در ۲۰ آبان ماه.

کارگران کارخانه چوکا در هشتیبرای افزایش حقوق و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مناسبت اعتصاب می کنند، اعتصاب از بخش خمیرما به شروع می شود و به بخشهای دیگر گسترش می یابد، ۱۰۰۰ نفر از کارگران در اعتصاب شرکت می کنند، پس از ۶ روز اعتصاب کارگران با گرفتن قول مساعد مدیریت، به کار بازمی گردند، چون مدیریت توافق راز برپا می گذارد، از ۱۱ آبان اعتصاب دوباره آغاز می شود.

کارگران پس از ۱۸ روز اعتصاب موفق می شوند بخشی از خواسته های خود را بگیرند. در این جریان سپاه ۴ اعتصابی را دستگیر می کند که با مبارزه کارگران ۳ نفر آزادی شوند. مبارزه کارگران چوکا برای گرفتن تمام خواسته های خود همچنان ادامه می یابد.

برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار از آغاز سال جاری تا کنون کارگران بسیاری از موسسات صنعتی دیگر به اعتراض دست زده اند، اعتصاب کرده اند، اعتصاب زنان کارگران کتربیک به قطع غذای شیرخوارگاه از جانب مدیریت، اعتصاب کارگران پارس الکتریک

کارگران کارخانه نساجی فخرایران، کارگران تولید پرسی هیدرولیک آکام، اعتراض و کم کاری کارگران موسسه کیهان و اعتصاب کارگران کارخانه فولاد اصفهان نمونه های دیگری از مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار است.

مبارزه کارگران در راه اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل

یکی دیگر از عرصه های مبارزه کارگران در شرایط کنونی اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل است. کارگران مصرانه می خواهند که در محاسبه حقوق خود، سابقه کار، سختی کار، کارایی فنی آنها و غیره

ملاک طبقه بندی مشاغل قرار گیرد. تا حقوق آنان افزایش یابد . در شرایط کنونی کارگران در راه اجرای یک طرح مترقی درگیر مبارزه ای شدید با مدیران و کارفرمایان و وزارت کار هستند . اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل یکی از خواسته های عمومی توده کارگران است و از آغاز سال تاکنون اعتراضات و اعتصابات متعددی به همین منظور در موسسات صنعتی کشور روی داده است . از جمله اهم این رویدادها عبارتند از :

- در فروردین ماه کارگران کارخانه چیت تهران در اعتراض به توقف اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتصاب کردند . دادستانی مرکز تلاش کرده که اعتصاب کارگران را سرکوب کند ، اما با هوشیاری کارگران این تلاشها خنثی شد و اعتصاب با موفقیت پایان یافت .

- پس از مدت ها مبارزه کارگران در کارخانه چیت ممتاز انتخابات برای گزینش نمایندگان کمیته طرح طبقه بندی مشاغل انجام شد . علیرغم کارشکنی انجمن اسلامی از ۳۰۰۰ نفر کارگر و کارمندان کارخانه بیش از ۲۰۰۰ نفر در انتخابات شرکت کردند . دو عضو سابق شورا بیشترین رای را آوردند .

- کارگران کارخانه فیلترمان قزوین برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به کم کاری و اعتصاب دست زدند . در برابر اعتراضات کارگران ، مدیریت تسلیم شد . با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل ۳۰ تا ۵۰ ریال به دریافتی روزانه کارگران افزوده شد .

- از جمله خواسته های کارگران قهرمان شرکت ساسان ، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت بوده است .

اعتراض و مبارزه کارگران کارخانه های شهاب هیتاچی ، تولید فرآورده های تزریقی (دن باکستر) ، ایگوی ساوه ، ساکا ، ری اوواک ، ترانس پیک ، ایرانا و غیره نمونه های دیگری از مبارزات گسترده کارگران بمنظور اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل است .

مبارزه کارگران در راه تامین مسکن

از آغاز سال جاری تاکنون تلاش و مبارزه کارگران برای دریافت زمین و وام از ارگانها و موسسات دولتی و فشار آنان به مدیران دولتی و کارفرمایان تشدید شده است . مشکل اصلی تعاونیها عدم تحویل زمین یا عدم تحویل به موقع واحدهای مسکونی از سوی مسئولان است . در همین رابطه مبارزه کارگران برای حفظ تعاونیها و اتحادیه های مسکن و در راه افزایش تعداد و نقش آنان در تامین مسکن کارگران گسترش یافته است . مسئولان تلاش می کنند که این تشکلهای را متلاشی کنند .

تعاونیها و اتحادیه های مسکن به یکی از تشکلهای مهم و نیرومند

کارگری تبدیل می شود و تاکنون مبارزه آنان در راه تامین مسکن کارگران با پیروزیهایی همراه بوده است . از اهم مبارزات کارگران در این زمینه نمونه های زیر را می توان نام برد :

- اتحادیه تعاونیهای مسکن قزوین که ۷۰ تعاونی مسکن را در بر می گیرد ، توسط ارگانهای دولتی خودسرانه منحل اعلام شد . این اتحادیه با حمایت جدی کارگران در برابر انحلال خودسرانه ایستادگی کرد . با مقاومت کارگران ، اتحادیه نه تنها خود را حفظ کرد ، بلکه ایجاد خانه های کارگری را هم به مسئولان تحمیل نمود . این اتحادیه در مرحله نخست به تهیه ۲۰۰ دستگاه خانه موفق شده است .

- تعاونی مسکن شهرک غرب که ۴۶ تعاونی مسکن کارگری را در خود متشکل کرده است موفق شد در شهرک غرب زمین دریافت کند .

- تعاونی کارخانه شیشه وگا موفق شد در فرحزاد زمین دریافت کند .

- در اواخر تیرماه تعاونی مسکن صنایع هواپیمایی پس از مدت ها مبارزه موفق شد در باغ فیض زمین دریافت کرده و کار ساختمان را شروع نماید . کارگران در برابر تهاجم تخریب شهرداری ایستادگی کردند .

- تعاونی مسکن کارگری واحدهای ایران ناسیونال پس از ۶ ماه درگیری با شهرداری و سازمان زمین شهری در شهرک اکباتان زمین دریافت کرد . ۴۶ تعاونی مسکن دیگر نیز در همین شهرک زمین گرفته اند .

- کارگران شرکت بل هلیکوپتر برای دریافت مسکن به تحصن دست زدند . این تحصن با یورش سپاه روبرو شد .

- در تبریز تعاونی مسکن خانه سازان ، که زمینهای این تعاونی از سوی جنگلیانی جزو فضای سبز اعلام شده بود ، پس از تلاش و مبارزه پیگیر توانست در منطقه دیگری زمین دریافت کند . در تبریز دو اتحادیه تعاونی مسکن یکی با شرکت ۳۲ و دیگری با عضویت ۲۵ تعاونی مسکن فعالیت دارند . همچنین تعداد دیگری از تعاونیها و اتحادیه های مسکن مجتمع تعاونیهای مسکن جنوب و تعاونی مسکن کارگران نفت و ... در مقابل انواع توطئه های حکومتی پایداری کردند و به کار خود ادامه دادند .

مبارزه کارگران علیه ادا مه جنگ

کارگران به اشکال مختلف مخالفت خود را با ادا مه جنگ گسترش می دهند . رایج ترین شیوه ای که کارگران در پیش گرفته اند ، مخالفت آشکار با کاهش اجاری حقوق خود برای کمک به جبهه های جنگ است . کارگران از رفتن به جبهه آشکارا امتناع می کنند و مانع اعزام فرزندان خود می شوند . عدم ارسال کمک یا افزایش تولید برای جبهه پدیده در حال

گسترش است و در بسیاری از موارد به درگیری کارگران با عوامل رژیم منجر می شود. نمونه های زیرگوشه ای از ایستادگی کارگران در برابر سیاست ادا مه جنگ و فشارهای اقتصادی ناشی از آن را نشان می دهد:

— در کارخانه ری، او، واک، انجمن اسلامی اعلام کرد که کارگران مجبورند یک درصد از حقوق ماهانه خود را به جبهه ها تخصیص دهند.

کارگران در برابر این تصمیم شدیداً اعتراض کردند، در نتیجه اعتراضات، این تصمیم لغو شد.

— در ایران تا پیر، کارگران از دادن هدایا به جبهه خودداری می کنند.

به همین دلیل فضا رمدبران و انجمنهای اسلامی علیه آنان تشدید شده است.

— در کارخانه پارس الکتریک تهران کارگران اعلام کردند تنها در ازاء دریافت یک تلویزیون رنگی حاضرند مبلغی از حقوق خود را به جبهه جنگ اهدا کنند، کارگران با اعلام این شرط از دادن حقوق خود به جبهه خودداری کردند.

— مدیریت و انجمن اسلامی کارخانه سیمان آبیک قزوین یک روز از حقوق کارگران را برای جبهه اختصاص دادند، کارگران پس از اطلاع از این مساله در ۲۵ اردیبهشت علیه این تصمیم و خودسری انجمن اسلامی و مدیریت به اعتراضات شدید متوسل شدند. در نتیجه حقوق آنان پرداخت شد.

— قنای مدیریت عامل کارخانه تراکتورسازی تبریز در برابر امتناع مکرر کارگران از رفتن به جبهه، وعده می داد که به هر کارگری که داوطلب باشد، ماهانه ۹۰۰۰ تومان حقوق داده می شود. اما کارگران کماکان از رفتن به جبهه خودداری می کنند.

— در شرکت گلوکز (نشا سته) ایران در قزوین، کارگران پس از اطلاع از کسریک روز حقوق آنها برای جبهه اعتصاب کردند.

— یکی از دلایل اعتصاب قهرمانان کارگران ساسان عدم پرداخت بهره وری (پاداش افزایش تولید) به بهانه مخارج جنگ بوده است.

— در کارخانه پارس خودرو به دنبال شایع شدن ارسال سود ویژه کارگران به جبهه ها، اعتراض دسته جمعی کارگران بالامی گیرد. در برابر فشار کارگران مدیریت تسلیم شده و سود ویژه را به کارگران پرداخت می کند.

— کارگران کارخانه های تولید و تصفیه روغن تهران (اسو)، کارخانه های روغن و آمین شماره ۱ و ۲ مانع ارسال حقوق و سود ویژه خود به جبهه ها شدند.

— در کارخانه استار لایت کارگران مانع اجرای برنامه های مدیریت در طول هفته جنگ شدند و در برابر کسریک روز حقوق خود برای جبهه ها دسته جمعی اعتراض کردند.

— کارگران کارخانه ماشین سازی اراک در روز "نبرد اقتصادی" در "هفته جنگ" کم کاری کردند و کارگرانی که برای اضافه کاری در این

روز مشخص شده بودند، کار را تعطیل کردند.

— در کارخانه چرم سازی تبریز، کارگران به اضافه کاری اجباری برای جبهه اعتراض کردند. استاندرد دستور داده بود که کارگران دو روز از هفته جنگ را، از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر اضافه کاری کنند. مسئولین کارخانه برای جلوگیری از خروج کارگران درهای کارخانه را بستند. با این حال کارگران در وقت مقرر کار را تعطیل کردند.

مبارزه کارگران با اخراجات خودسرانه

اعتراض علیه اخراج کارگران و مبارزه در راه لغو ماده ۳۳ قانون کار آریا مهری یکی دیگر از عرصه های مبارزه کارگران در شرایط کنونی است. در تلاشهای سران رژیم برای سرکوب مبارزه کارگران، اخراج خودسرانه نقش برجسته یافته است. مسئولان حکومت به بهانه های مختلف از جمله "نازاد بر احتیاج" تولید، نبود بودجه، نبود مواد اولیه، "سرکشی و نافرمانی"، اخلال در محیط کار و تولید، دیرکرد و غیره کارگران را فردی یا گروهی اخراج می کنند. آنها بعد از هر اعتراض حق طلبانه کارگران، شمار زیادی را اخراج و بازداشت می کنند. علاوه بر آن مسئولان پاره ای از کارخانجات، کارگران را برای مدت معینی مثلاً یک ماه بدون پرداخت حقوق به مرخصی اجباری می فرستند. در واقع برای مدت معینی اخراج می کنند. علیه این تصمیمات خودسرانه کارگران ایستادگی می کنند. نمونه های زیرگوشه ای از اخراجات خودسرانه مسئولان حکومتی و مبارزه کارگران علیه آن می باشد:

— پس از اعتصاب پیروز کارگران جنرال استیل، قبل از تعطیلات تابستانی، ۴۰ کارگر مبارز اخراج شدند و ۳۰ نفر دیگر نیز در خطر اخراج قرار گرفتند.

— با انحلال شرکت تکنوفریکو و وابسته به واگن سازی اراک، کارگران آن بیکار و بلا تکلیف مانده اند.

— در کارخانه ایران ابزارمدیر ۱۸۰ کارگر را به بهانه نبود مواد اولیه اخراج کرده است.

— در مهرماه، در طی دو هفته مسئولان کارخانه زامیاد، ۶۰ نفر از کارگران را اخراج کرده اند.

— در ایران ناسیونال ۵ کارگر را به بهانه پایین بودن سطح تولید اخراج می کنند. کارگران اخراجی حاضر نشده بودند تولید را بدون دریافت حقوق افزایش دهند.

— در طول تابستان در پارک دیویس مدیریت ۶ کارگر را به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی، غیبت و ضایعات در تولید خودسرانه اخراج کرده است.

— در مهرماه در کارخانه در حال ساختمان پتروشیمی شیراز مدیریت

اخراج کارمندان زن را در دستور قرار داد .
- اجراج ۵ نفر از کارگران کبریت سازی ۲۹ بهمن تبریز به اتهام تبلیغ علیه رژیم در تابستان ، یکی از آنها نماینده کارگران بوده است .

- در اول مرداد ماه مدیریت کارخانه ریسندگی و بافندگی فخر ایران ، کارگران را به مدت دو ماه به مرخصی اجباری فرستاد . تنها ۱۳ روز از این دو ماه مرخصی با استفاده از حقوق بوده است . مدیریت ، کارخانه را تا اواخر شهریور تعطیل کرد .

- مسئولان حکومت در نظر دارند سیستم کارخانه ماشین سازی تبریز را به سیستم غربی تغییر شکل دهند . در نتیجه این اقدام ضد ملی ، حداقل ۲۰٪ از کارگران کارخانه ما زاید بر احتیاج قلمداد خواهند شد . عملاً اجراج می شوند .

- پس از اعتصاب کارگران کارخانه چینی سازی رشت ، ۵ کارگر مبارز دستگیر و در خطر اجراج قرار گرفتند .

- مدیریت کارخانه چرخ سازی پارس ۱۶۰ کارگر روز مزد و دائمی را اجراج نمود . بهانه اجراج ما زاید بر احتیاج و عدم افزایش تولید توسط کارگران بوده است .

- مدیریت کارخانه جنرال الکتریک به بهانه نبود مواد اولیه تصمیم به اجراج ۱۵۰ کارگر می گیرد . در برابر اعتراضات شدید کارگران تصمیم را لغو می کند .

- ۷۰ کارگر پیمانی وزارت راه شهرستان اردبیل ، ۷۵ کارگر کارخانه پارس متال به بهانه های واهی اجراج شدند .

- پس از اعتصاب کارگران کارخانه ارج برای تغییر ساعات کار شیفت ، ۸ کارگر علی رغم اعتراضات کارگران ، اجراج شدند .

- ۶ کارگر مبارز کارخانه لوله سازی در جاده ساوه به اتهام ایجا داغتشاش در کارخانه اجراج شدند .
- یکی از خواسته های مهم کارگران اعتصابی کشت و صنعت مغان ، بازگشت دادن همکاران اجراجی به سرکارهایشان بود .

- مدیریت شرکت کشتیرانی گلف اجنسی (تحت پوشش بنیاد مستضعفان) ۴۳۰ نفر از کارگران و کارمندان خود را اجراج کرد .
- کارگران کارخانه شیرپاستوریزه با اعتصاب موفق شدند از

اجراج یکی از کارگران مبارز جلوگیری کنند .
- در کارخانه نساجی غرب دربی تلاش کارگران برای اعتراض به کمی دستمزد ، ۲۸ کارگر مرد و ۵۰ کارگر زن اجراج گردیدند .

- در کارخانه فیات ۴۰ نفر کارگران معترض تهدید شدند تا استعفاء داده و از کارخانه بروند .

- در مرداد ماه مدیریت کارخانه موتوژن تبریز علی رغم اعتراضات کارگران ، ۲۰۰ کارگر پیمانی را از کار اجراج کرد .
- پس از اعتصاب کارگران قهرمان دخانیات دهها نفر با زداشت

و تعداد بسیار زیادی از کارگران اجراج شدند . تعداد زیادی از کارگران اجراج شدگان کارگران زندانی ، دربند هستند .

- در جریان اعتصاب کارگران قهرمان کارخانه برای بیش از ۴۰۰ نفر دستگیر و اجراج شدند .

- اعتصاب بزرگ ذوب آهن اصفهان در مقابل طرح تعانی کردن ذوب آهن روی داد . کارگران می دانستند اگر این طرح اجرا شود ، هزاران نفر از کارگران پیمانی و رسمی به بهانه ما زاید بر تولید از کار اجراج می شوند .

مبارزه کارگران در راه کاهش ساعات کار

مبارزه در راه کاهش ساعات کار ، لغو اضافه کاری اجباری ، تعطیلی ۵ شبه ها یکی دیگر از موضوعات مبارزه کارگران است . این مبارزه بویژه پس از تشدید فشار روزانه ها ، مدیران و کارفرمایان و انجمنهای اسلامی به کارگران برای تحمیل مقررات تازه ضد کارگری در محیط کارخانه ها ، افزایش یافته است . کارگران به اشکال مختلف در برابر افزایش ساعات کار ایستادگی و مبارزه می کنند . اعتراضات کارگری زیر نمونه هایی از مبارزه کارگران در این عرصه است :

- در ۲۳ خرداد کارگران کارخانه ایران دو چرخ قزوین بمنظور تعطیل شدن روزهای ۵ شبه و افزایش دستمزد دست از کار کشیدند .

سپاه کارخانه را محاصره و اشغال نمود . با این حال کارگران به اعتصاب ادامه دادند . مسئولان قزوین از ترس گسترش اعتصاب به سایر واحدهای صنعتی دیگر ، در برابر کارگران تسلیم شدند . کارگران پس از آنکه موفق شدند ۴۴ ساعت کار در ۵ روزه را تثبیت کنند ، به اعتصاب پایان دادند .

- کارگران کارخانه لوله سازی اهواز برای حذف اضافه کاری در شیفتهای شبانه اعتصاب کردند .

- کارگران کارخانه ایرانا پس از اطلاع از تصمیم مدیریت در افزایش ساعات کار به تظاهرات اعتراضی دست زدند . کارگران با شعار حیدر - حیدر علیه مدیرعامل و عوامل او شعار دادند . اعتراض کارگران به لغو تصمیم مدیریت منجر شد .

- کارگران کارخانه جنرال پلاستیک (عایق پلاستیک فعلی) در برابر تصمیم مدیریت به حذف تعطیلی ۵ شبه ها اعتصاب می کنند .

شرکت یکپارچه کارگران تولید را بطور کامل می خواهد باند . با اواخر در ۲۵ اردیبهشت مسئولین تعطیلی ۵ شبه ها را می پذیرند . اکنون مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد ، سختی کار و اجرای طرح طبقه بندی

مشاغل ادامه دارد. به دنبال تغییر ساعات کار از سوی مدیریت ایران ناسیونال بمنظور افزایش تولید، کارگران اعتراض می کنند. پس از اعتراضات مکرر کارگران، در اول مهرماه، ساعات کار کارگران به وضع سابق باز می گردد.

در تیرماه مدیریت کارخانه ایران ناسیونال اعلام می کند که کارخانه ۲۰ روز تعطیل خواهد بود. مدیریت تنها ۸ روز مرخصی با استفاده از حقوق و ۱۲ روز دیگر مرخصی اجباری تعیین می کند. علاوه بر آن واحدهایی به اضافه کاری اجباری بدون دریافت ۳۵ درصد وادارمی شوند. این تصمیم با اعتراض کارگران روبرومی شود. اعتصاب از بخش صندلی دوزی شروع شده و گسترش می یابد. در نتیجه اعتصاب کارگران، مسئولین می پذیرند که ۳۵٪ حق اضافه کاری را بدهند. علاوه بر آن کارگران خواهان لغو اضافه کاری اجباری می شوند. در پی اعتراض کارگران اضافه کاری عملاً اختیاری شد.

فشار دولت علیه کارگران برای افزایش تولید

تضییقات دولت و وزارتخانه های مختلف، مدیران و کارفرمایان واحدهای تولیدی برای واداشتن کارگران به افزایش تولید بدون آنکه معادل آن حقوق پرداخت شود، همچنان در حال افزایش است. مدیران و کارفرمایان با وضع مقررات ضد مکرراتیک تازه، با تشدید تنبیه و جریمه، با تغییر ساعات استراحت و غذا، با تغییر ساعت شیفتها، با وضع اضافه کاری اجباری، با تقلیل تعداد شیفت های کار، با اخراج کارگران به بهانه مازاد بر احتیاج و تشدید فشار بر کارگران دیگر، با سازمان دادن اقدامات پلیسی و جورعب در کارخانه ها، تلاش می کنند که کارگران را به افزایش تولید وادارند. در اکثر موسسات کارگران در برابر این تلاشها ایستادگی و علیه این تضییقات مبارزه می کنند. اعتراضات کارگران در صنایع فلزی در شهر یورما، در ایران ناسیونال علیه تضییقات "گشت انتظامات" و تغییر ساعات کار، در دخانیات و نمونه های دیگر در همین رابطه صورت گرفته است. سطح بسیار نازل دستمزدها کارگران موجب شده است که کارگران به افزایش تولید تمایل نشان ندهند. این عدم تمایل یکی از عوامل کاهش تولید در بسیاری از موسسات صنعتی است. در حالیکه سرمایه داران و دولت حامی آنان خواهان افزایش تولید بدون افزایش حقوق کارگران هستند. سرمایه داران برای رسیدن به این هدف فشار را بر کارگران بیش از پیش تشدید کرده اند. یکی از نتایج این وضع افزایش سوانح حین کار است. روزانه تعداد کثیری از کارگران موسسات تولیدی در اثر سوانح حین کار، دچار نقص عضو، از کار افتادگی می شوند یا از بین می روند.

نمونه های زیرگوشه ای از جنایات غارتگران علیه کارگران است: - در خلال یک ماه در کارخانه لوله ماشین سازی سه کارگر در حین کار رگشته شده اند. یکی به علت افتادن لوله دومی در نتیجه بریدن بند جرقیل و سومی با سقوط از سقف شکسته. در ۲ آبان ماه یک کارگر شیفست شب کارخانه کفش پیروزی (وین) زیر چرخهای ماشین له شد. در اوایل شهریور در واحد چهارم کارخانه سیمان صوفیان، یک کارگر ۴ انگشت خود را از دست داد. در مرداد در همین کارخانه ۲ کارگر در اثر کارگرگی خفه شدند.

مبارزه کارگران در راه فعالیت دوباره سندیکاها و تصفیه عوامل رژیم از شوراهای کارگری

مبارزه کارگران در حفظ استقلال شورا از دست اندازی دولت، ادامه فعالیت سندیکاها، مستقل، انتخاب نمایندگان آگاه، پیگیر و مترقی و افزایش تشکلهای مستقل تعاونی همچنان جریان دارد. نه تبلیغات رژیم نه اخراج کارگران پیشرو نتوانسته است کارگران را از مبارزه در این راه بازدارد. در هر کجا که انتخابات آزاد برگزار شده کارگران توانسته اند عوامل ضد کارگری رژیم را از شوراهای سندیکاها، تعاونیها تصفیه کرده و از انتخاب کاندیداهای انجمن اسلامی و مدیران و کارفرمایان برای شوراها جلوگیری کنند. در بسیاری واحدها کارگران در انتخاب نمایندگان خود برای پیگیری خواسته های کارگران موفق بوده اند. برای نمونه:

- در پی اعتراض مکرر کارگران چیت ممتاز، مسئولین ناگزیر شدند با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل موافقت کنند. در انتخاب اعضای کمیته اجرای طرح طبقه بندی، هم کارگران و هم انجمن اسلامی کاندیدا دادند. کاندیداهای کارگران، دو عضو شورای سابق بودند که این شورا به دلیل حمایت از کارگران منحل شد. کاندیدای انجمن اسلامی با ۶۰ رای از کاندیداهای کارگران با ۱۶۰۰ و ۱۴۰۰ رای شکست خورد.

- در انتخابات مجدد تعاونی مصرف کارگران تراکتور سازی، علی رغم تلاش انجمن برای تحمیل کاندیداهای خود به کارگران، نمایندگان کارگران پیروز شدند.

- در انتخابات متعددی که از سال ۶۱ به بعد در کارخانه سیمان صوفیان برای گزینش نمایندگان کارگر در شورا، کمیته اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، هیات نمایندگی پاداش افزایش تولید و غیره برگزار شد، کاندیداهای انجمن اسلامی از کاندیداهای کارگران قاطعانه شکست خورده اند.

- درموتوژن تبریزه ۷۴ کارگر برای انتخاب ۲ نماینده در رای گیری شرکت کردند
کاندیدای کارگران ۶۹۰ و ۶۵۰ رای و کاندیدای انجمن اسلامی ۱۶ و ۹ رای
آوردند.

نمونه‌های فوق از انتخابات کارگری در بسیاری از کارخانه‌های دیگر
هنگام انتخاب نماینده کارگران تکرار می‌شود و نشانه آگاهی هر چه
بیشتر کارگران به ماهیت عمل نمایندگان برگزیده عوامل حکومت
است.

مبارزه کارگران در راه دستیابی به قانون کار مترقی که در
جریان رد قانون کار ارتجاعی توکلی به اوج خود رسید در دوره اخیر،
زمانیکه پیش‌نویس قانون کار سرحدی زاده مطرح شد، دوباره اوج
گرفت. علیرغم تمامی تهدیدات و تمهیدات حکومت در بی‌خبر گذاشتن
کارگران از مضمون ارتجاعی پیش‌نویس جدید، کارگران به اشکال
مختلف از طریق سمینارها، مصاحبه‌ها و دیگر اجتماعات کارگری صدای
اعتراض خود را علیه آن بلند کردند. کارمربخش سازمان ما و حزب
توده ایران در افشای توکلی و قانون ارتجاعی اش، نقش برجسته‌ای در
افشای ماهیت ضدکارگری قانون جدید داشته است. افشاگری
سازمان ما و اعتراضات گسترده کارگران علیه این قانون ارتجاعی
موجب شده تا این لحظه حکومت نتواند قانون کار خود را به کرسی
بنشاند. تعویق تصویب پیش‌نویس جدید کاریک موفقیت مهم برای
کارگران ایران است.

* * *

رویدادهای کارگری فوق، تصویر بسیار رکلی از صحنه مبارزه
قهرمانانه کارگران ایران است. این تصویر نشان می‌دهد که جنبش
مطالباتی و اعتراضی کارگری ایران در حال رشد و گسترش است. در این
جنبش تمایل کارگران به عمل مستقل و حرکات موثر و جمعی ترقی‌یافته
شده است. کارگران خواهان تجهیز به سندیکا و شوراهای مستقل هستند
تا در مبارزات خود پیروز شوند. تلاش و سیاست دولت جلوگیری از
پیروزی کارگران است. وظیفه‌ای که جنبش کارگری بردوش ما
می‌گذارد، افشای تلاشها و سیاستهای ارتجاعی دولت و هموار کردن
راه پیشرفت و ارتقای جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران است.

"جنبش توده‌ای کارگری ایران اکنون رشد یافته‌ترین بخش
توده‌ای است و هر روز دامنه آن گسترده‌تر می‌شود. در چنین شرایطی
وظایف فعالین سازمان برای بردن آگاهی انقلابی، سوسیالیستی
و دمکراتیک به میان کارگران و سازماندهی و هدایت مبارزه آنان
بسیار بیشتر و خطیرتر می‌شود. فعالین انقلابی ما باید
راه ایجاد هسته‌های مخفی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به منظور
هماهنگی و هدایت مبارزه جاری کارگران و حرکت برای ایجاد
سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری نهایت کوشش خود را بکنند.
در تشکلهای موجود شرکت کنید و امکانات آنها را در خدمت رشد
مبارزه کارگری و ایجاد تشکلهای واقعی کارگری قرار دهید."

از پیام پلنوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان به اعضاء
و هواداران

مبارزه کارگران در واحدهای صنعتی

بررسی رویدادهای کارگری امسال قبل از همه نشان می‌دهد که جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگری همچنان در سطح و در عمق گسترش می‌یابد. اعتصاب بزرگ کارگران ذوب آهن در آذرماه ۶۳ که خبر و گزارش آن به کوشش فعالین سازمان درسراسر کشور و در مطبوعات معتبر و مهم کارگری کشورهای مختلف با زتاب یافت، مهمترین رویداد کارگری سال اخیر است. گرچه این اعتصاب به لحاظ طول مدت و تعداد اعتصابگران و اهداف مستقیمی که در برابر خود قرار داده بود، از دیگر اعتراضات و اعتصابات کارگری سال جاری متمایز است، اما در آن مسائل جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگری ایران و برخورد رژیم جمهوری اسلامی با این جنبش را می‌توان کما بیش مشاهده کرد.

پلنوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان ما وضعیت جنبش کارگری ایران را چنین ارزیابی کرد: "در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته‌ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است". رویدادهای کارگری مجموعاً درستی این حکم را تأیید می‌کنند. تنها در ۶ ماه اول سال جاری بیش از ۱۵۰ اعتصاب و بیش از این تعداد اعتراض کارگری روی داده است. در این مجموعه، اعتصاب کارگران موبسات بزرگ صنعتی اهمیتی فوق العاده دارند. اعتصاب کارگران دغانیات، کشت و صنعت کارون، چیت تهران، ایران دوچرخ، فولاد مبارکه، ارج، فخرایران، باطری سازی ارتش، کشت و صنعت مغان، ایسران ناسیونال، کانادا درای، جنرال صنعتی، ذوب آهن اصفهان از این جمله‌اند. بویژه اعتصاب دغانیات، کانادا درای و ذوب آهن که هر سه در برابر یورش ارگانهای سرکوب ایستادگی کردند، در نشان دادن قدرت کارگران به رژیم نقش برجسته‌ای ایفا کرده و این امید را در کارگران تقویت کرده است که اگر در برابر سیاستهای ارتجاعی دولت متحد شوند و از مبارزه هم حمایت کنند، پیروزی شوند.

اعتصاب دغانیات در ۱۱ دی ۶۲ اولین رویارویی مهم کارگری با ارگانهای سرکوب رژیم در دو سال اخیر بود. خیرایستادگی کارگران دغانیات و جنایاتی که ارگانهای رژیم علیه اعتصابیون مرتکب شدند، به سرعت در داخل و خارج از کشور انعکاس یافت و موج همبستگی با کارگران و تنفر از سرکوبگران را تشدید کرد. اعتصاب کارگران کانادا درای (شرکت ساسان) در ۲۸ تیرماه ۶۳ آغاز شد و علی‌رغم وحشیگریهای جنون آمیز ارگانهای رژیم علیه کارگران که به زخمی شدن و بازداشت و اخراج تعداد کثیری از کارگران منجر شد، بیش از یک

هفته ادامه یافت. این اعتصاب نیز ماهیت ضدکارگری سران رژیم را برای کارگران بیش از پیش افشا کرد و به اعتراض سازمانهای مهم کارگری دیگر کشورها به سران رژیم و جلب همبستگی بیشتر کارگران در داخل کشور منجر شد. آخرین اعتصاب مهم سال (تاکنون)، اعتصاب کارگران ذوب آهن است. این اعتصاب در مخالفت با تلاش حکومت برای اخراج هزاران کارگر بخش ساختمان ذوب آهن در ۴ آذر آغاز شد و در محاصره نیروهای سرکوب رژیم وزیرفشار کارکنان تبلیغاتی دستگاه، بیش از ۱۵ هزار کارگر را متشکل کرد و بیش از دو هفته به طول انجامید. این اعتصاب مسئولان حکومت را به عجز و التماس انداخت و با پیروزی به پایان رسید.

این رویدادها گرچه مدلل می سازد که جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران رشد و توسعه می یابد، اما در عین حال آهنگ رشد در بخشهای مختلف کارگری متفاوت نشان می دهند. آهنگ رشد اعتراضات کارگری در کارخانهها بیشتر از سایر بخشهاست. رویدادهای عینی کارگری اثبات می کند که کارگران واحدهای صنعتی کشور فعالترین و پیشروترین نیروی جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگری ایران اند. کارگران این موسسات علیه سیاستهای ضدکارگری رژیم و نقض خشن حقوق آزادیهای دمکراتیک کارگران قهرمانانه مبارزه می کنند. آنها در برابر یورش ارگانهای سرکوب ایستادگی می کنند، این ایستادگی، کارگران سایر بخشها و سایر اقشار خلق را به مبارزه با رژیم تشویق می کند و میدان مبارزه پیروزی مبارزه ایشان تقویت می کند و بر نقش و اعتبار کارگران در مبارزه علیه هیات حاکمه می افزاید. هر پیروزی که کارگران یک واحد به دست می آورند، کارگران واحدهای دیگر را به تشدید مبارزه تشویق می کند. در جریان اعتصاب آذرماه کارگران ذوب آهن، مردم اصفهان از مبارزه و مقاومت کارگران تجلیل می کردند و آنان را به ادامه ایستادگی دعوت می کردند و پیروزی آنان را آرزو می کردند. از اینرو نیروی سرکوب رژیم هم بیش از پیش علیه این بخش از کارگران بکار افتاده است تا شاید از پیروزی مبارزات کارگری جلوگیری کند. مبارزاتی که هم دارای مضمون اقتصادی است و هم جنبه سیاسی دارد و اهداف آن در چهره چوب حقوق سندیکا می کارگران محدود نشده است. تلاشهای نیروهای سرکوبگر دولت برای جلوگیری از پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران، حتی آنجا که خواستهای کارگران بسیار ابتدایی بوده، گرچه غالباً با خشونت همراه بوده است و لسی رویدادهای نشان می دهد که در جریان مبارزه که اکثریت کارگران در اعتراض یا اعتصاب شرکت کرده اند، هرچکه اکثریت کارگران از نمایندگان و فعالین کارگری قاطعانه حمایت کرده اند، مبارزه کارگران با دستیابی به تمام یا بخشی از خواستها و مطالبات خود به پیروزی رسیده است. اعتصاب پیروزمند کارگران چیت تهران در فروردین ماه، ایران ناسیونال در تیرماه،

زامیاد در اوایل آبان، ارج و دهها واحد دیگر و همچنین مبارزه اتحادیه های تعاونی مسکن قزوین و اتحادیه مسکن در تهران و تبریز و غیره نمونه هایی در این زمینه اند. پیروزی کارگران ذوب آهن، نمونه برجسته آن است.

اما هر پیروزی که کارگران به دست آورده اند، ساده و راحت نبوده است. بهایی که کارگران با زاء هر پیروزی پرداخته اند، کم نبوده است. چون کارگران به اندازه کافی و ضرورت متشکل نیستند، بزرگترین ضعف جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران، پراکندگی و خودبخودی بودن آن است. برای رهبری جنبش عظیم بوده کارگران در راه دستیابی به مطالبات و حقوق دمکراتیک آنها، وجود سازمانهای مستقل و توده ای کارگری که کارگران را در سطح موسسات، منطقه و کشور متشکل کنند، بیش از پیش ضروری است. اگر کارگران و فعالین جنبش کارگری به این سازمانها مجهز شوند، نیروی کارگران صدمه بیشتری شود. این ضعف کمتر از این ناشی می شود که کارگران این ضرورت را درک نمی کنند یا به سهم و نقش سازمانهای مستقل خود اهمیت آنها در کسب پیروزی واقف نیستند. رویدادهای نشان می دهد تلاش کارگران در این راه بسیار بیشتر شده است. در سال جاری کارگران در برابر پیش نویسی قانون جدید کارورقانون شوراها اسلامی ایستادند. با اعتراضات شدید نخست وزیر، وزرای کار و غیره را واداشتند که وعده هایی در تغییر این قوانین به سود کارگران بدهند. کارگران علیه غم توطئه و تلاشهای ضدکارگری دولت، وزارت کار، مدیران ضدکارگران و انجمنهای اسلامی، هرچکه انتخابات آزاد بوده یا امکان اعمال نظر کارگران وجود داشته است، عناصر ضدکارگر و عوامل وابسته به رژیم را از رهبری سندیکاها، شوراها، تعاونیها و خانه کارگر، تصفیه کرده اند. در واحدهایی که تشکل کارگری وجود ندارد یا تشکل موجود مدافع منافع کارگر نیست، کارگران برای پیگیری مطالبات خود، مستقلاً یا با ۳ نماینده کارگران انتخاب می کنند. این هیات نمایندگی که معمولاً برای پیگیری یک موضوع معین تشکیل می شود، یکی از اشکال تشکل کارگری است که در شرایط کنونی زیاد مورد استفاده کارگران قرار می گیرد. شوراها کارگری تحت فشار توده کارگران قرار دارند که در برابر دولت و مدیران و کارفرمایان، مدافع حقوق و منافع کارگران باشند. با زهم بهمین دلیل تلاش کارگران برای ادامه فعالیت سندیکاها و اتحادیه ها تشدید شده است. کارگران پالایشگاهها منجمله پالایشگاه ری خواهان ادامه فعالیت سندیکا و اتحادیه کارگران شده اند. تشدید فعالیت کارگران در چارچوب تعاونیهای مسکن کارگری جلوه دیگری از تمایل کارگران به اتحاد و تشکل است. مبارزات اتحادیه ها تعاونیهای مسکن قزوین که ۷۰ تعاونی کارگری را متشکل کرده است، دو اتحادیه تعاونی مسکن کارگری در تبریز با ۳۲ و ۲۵ تعاونی عضو، اتحادیه تعاونیهای مسکن کارخانجات غرب تهران با عضویت بیش از

۵۰ تعاونی کارگری کارخانه‌ها، تعاونی مسکن کارگری شهرک غرب و غیره در اغلب موارد پیروز بوده و تعاونیهای مسکن در حال گسترش و توسعه هستند. نمونه‌های فوق و صدها نمونه دیگر ثابت می‌کنند که کارگران بیش از گذشته با تجربه خود درک کرده‌اند که باید متشکل شوند و متحد گردند. اما باید کارگران انقلابی، توده کارگران را با ضرورت تشکلهای مستقل و فراگیر کارگری آشنا سازند و حمایت آنان را نسبت به ایجاد سندیکا، اتحادیه‌ها و حفظ و تامین استقلال شورا از دستبرد عوام‌مسل دولت جلب کنند. تبلیغ و ترویج نقش و اهمیت تشکلهای مستقل کارگری در پیروزی کارگران، همچنان حایز اهمیت درجه اول است. رژیم حداکثر تلاش خود را بکار می‌گیرد که نگذارند کارگران در مسیر اتحاد و تشکل پیش روند. رژیم می‌خواهد کارگران را همیشه پراکنده نگه دارد. رژیم با تمام قوای کوشد که نگذارند مبارزه کارگران پیروز شود. رژیم بیشترین تلاش را پس از احزاب و سازمانهای انقلابی، در جهت سرکوب مبارزه کارگران بکار می‌گیرد. در همین رابطه مدت‌هاست که واحدهای دادستانی و دادگاههای باصلاح انقلاب در واحدهای مهم تولیدی کشور استقرار یافته‌اند. از این روشها رقابت توجهی از زندانیان سیاسی ایران، فعالین جنبش کارگری هستند. تلاشهای هیات حاکمه برای مهار جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران همچنان ادامه دارد. این تلاشها بطور همزمان در چند راستا صورت می‌گیرد از یک طرف دولت تلاش می‌کند تشکلهای مستقل کارگری را متلاشی کند. کارگران صنایع کلیدی و مادر نظیر نفت و ذوب آهن هم اصلا حقدارند در سازمانهای صنفی متشکل شوند. مطابق این سیاست حق کارگران کارگاههای صنفی که تعداد کارکنان آن کمتر از ۳۵ نفر شاغل دائمی هستند حتی در قانونهای ارتجاعی رژیم نادیده گرفته شده است. دولت مدت‌هاست تلاش می‌کند در موسسات صنعتی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و تعاونیها و شوراهای مستقل را متلاشی کند. در هر موسسه که بتواند شوراهای کارگری را دولتی می‌کند. در صنوف نیز سندیکاها را منحل اعلام می‌کند و همین سیاست را پیش می‌برد. از طرف دیگر با تمام قوا تلاش می‌کند جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران را با خشونت سرکوب کند. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیات حاکمه است. تمام کارگران از پیگیری خواست خود دست بردارند. در این رابطه دولت از اهرم اخراج علیه کارگران وسیعا استفاده می‌کند. در کنار واحد بزرگ صنعتی است که طی سال گذشته دولت مدیریت در مقابله با کارگران به حربه اخراج فعالین کارگری متوسل نشده باشد. استفاده از این حربه درجایی که کارگران پراکنده‌اند، موثر واقع می‌شود. ابعاد اخراج کارگران مبارز بویژه از تابستان به این سروز افزون شده است. اکنون اخراج کارگران شکل جمعی و گروهی گرفته است. اخراج بیش از ۸۰ نفر از دخیانبات، ۵۰ تا ۶۰ نفر از مینو، ۴۰ نفر از ایران پاکت، ۶۰ نفر از جنرال صنعتی و صدها نمونه دیگر گوشه‌ای

از جنایات سران رژیم علیه توده کارگران است. اعتصاب بزرگ آذر ماه اصفهان اساسا در مقابله با توطئه اخراج نزدیک به ۱۵ هزار کارگر رخ داد. کارگران در برابر اخراجهای ردیلا نه همکاران خود ایستادگی می‌کنند. کارگران در موارد بسیار توانسته‌اند با همبستگی خلل نا پذیر خود حربه اخراج را از دست کارفرمایان و دولت خارج کنند. ذوب آهن اصفهان نمونه برجسته آن است. کارگران مصرانه از بازگشت کارگران اخراجی حمایت می‌کنند و در اکثر موارد برای کمک به خانواده‌های اخراجی‌ها و زندانیان، کمک مالی جمع می‌کنند. کارگران با بید دست به دست هم بدهند و جلوی اخراجهای گروهی را بگیرند. خارج کردن اهرم اخراج از دست مدیران، کارفرمایان و دولت کمک می‌کند که خواست و مطالبات کارگران سریعتر برآورده شود. یکی از راههای مقابله با اخراج، تشکیل "صندوق حمایت از کارگران اخراجی" توسط کارگران است.

دولت تلاش می‌کند که اهرم اخراج را بویژه علیه فعالان و سازماندهندگان اعتراضات و اعتصابات کارگری بکار گیرد. تا شاید اعتراض کارگران خاتمه یابد و مبارزه آنان بی نتیجه رها شود. آنجا که کارگران از نمایندگان رهبران گزیده خود با تمام نیرو و امکان حمایت می‌کنند، تلاش دولت خنثی می‌شود. حفظ فعالین جنبش کارگری از یورش ارگانهای سرکوب و آزادی کارگران مبارز زندانی برای تحقق خواستها و ادامه مبارزه کارگران اهمیت ویژه دارد. تشکیل و گسترش هسته‌های مخفی متشکل از فعالین جنبش کارگری به این امر کمک جدی می‌کند. در شرایط کنونی افزایش تعداد، سهم و نقش این هسته‌ها در سمت دهی مبارزه کارگران بیش از گذشته ضرور شده است. فعالین جنبش کارگری باید خود چنین هسته‌هایی را سازمان دهند و بیش از پیش در این زمینه بکوشند. مقاله نقش و ضرورت هسته‌های مخفی کارگری مندرج در کارشماره ۱۱ در این باره توضیحات کاملی ارائه داده است.

در تلاشهای دولت بمنظور اخراج کارگران مبارز و فعالین اعتصابی و اعتراضات کارگری و در شناسایی آنان انجمنهای اسلامی نقش بسیار جدی دارند و غالب آنان در خدمت جاسوسی، تفرقه افکنی و سرکوب کارگران قرار گرفته‌اند. در ذوب آهن، کانا داری، دخانیات و صدها واحد دیگر در سرکوب کارگران مشارکت فعال داشتند. از اینرو به موازات گسترش مبارزه کارگران علیه اخراج و در راه احقاق حقوق خود، انجمنهای اسلامی منفرد تر شده‌اند و کارگران بیشتری صفوف آنها را ترک می‌کنند. برای نمونه پس از اعتصاب دخیانبات اعضای انجمن از ۴۰ نفر به کمتر از ۵۰ رسید. این مساله در اکثر موسسات صنعتی تکرار شده است.

آیات تلاشهای چندسویه دولت در سرکوب مبارزه کارگران به نتایج دلخواه سران رژیم دست یافته است؟ رویدادها به این سؤال پاسخ

منفی می دهند. جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگری همچنان راه خود را از میان توطئه ها، خیانت ها و سرکوبهای مرتجعین می گشاید و پیش می رود. این وضعیت، فداییان خلق ایران و همه نیروهای آگاه طبقه کارگر را در برابر وظایف خطیر و سنگینی قرار داده است. همه فداییان خلق ایران بویژه کارگران و اعضای سازمان باید با حساسیت و پشتکار در انجام این وظایف پیگیر باشند. همانطور که پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان ما تاکید کرده است:

" جنبش توده ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در صورت وظایف آن قرار دارد. در اجرای رهنمود پلنوم و در راه انجام وظایفی که جنبش کارگری در برابر ما قرار داده است:

- با یدارتباط با فعالین کارگری واحدهای تولیدی بویژه موسسات بزرگ صنعتی و خدماتی کشور هر چه فعالیت و هر چه محکم تر شود.
- کارگران مجرب و سازماندهی برای سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران موسسات بزرگ صنعتی و خدماتی باید اختصاص یابد.
- باید در حفظ و ایجاد سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری پیشگام شد و برای تصفیه عناصر ضد کارگران سندیکاها، شوراهای تعاونیه های موجود و از خانه های کارگری و دیگر تشکلهای موجود کارگری حداکثر امکانات را بکار گرفت و ایستادگی کارگران را در برابر دولتی شدن این تشکلهای تقویت نمود، تا رهبری این تشکل بوسیله کارگران تسخیر شود.

- مبارزه علیه اخراج خودسرانه کارگران اهمیت فوق العاده ای دارد. باید در تشکیل " صندوق کمک به کارگران اخراجی " به کارگران یاری رساند. توده کارگران را در مبارزه بخاطر آزادی کارگران زندانی و بازگشت همه اخراج شدگان به کار بسیج کرد.
- باید فعالیت جنبش مطالباتی کارگران را در تشکیل هسته های مخفی یاری نمود. در راه افزایش تعداد، نقش و سهم این هسته در مبارزات کارگری کوشید.

- باید در انعکاس اخبار و مبارزه کارگران حداکثر امکانات را به طرق مختلف بکار گرفت.

کارگران عزیز!

حیات جامعه بسته به کار شماست شما ستون انقلابی در مبارزه بخاطر صلح، استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نیرو و نقش اصلی از آن شماست شما کارگران پیشروترین و نیرومندترین بخش جامعه و جنبش خلقید. شما هستید که به آرزوهای دیرین خلق جامعه عمل می پوشانید.

کارگران مبارز! علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی متحد شوید و راهنما و راهگشای اتحاد تمام مردم ایران گردید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و رزمندگان پیگیر راه کارگران و زحمتکشان بپیوندید و میهن خود را بسوی راه صلح و استقلال، به راه عدالت و آزادی واقعی هدایت کنید.

از پیام پلنوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

همبستگی کارگران ایران با اعتصابگران قهرمان معادن انگلیس

کارگران مبارز و قهرمان ایران که خود زیر بار شدیدترین اشکال استعمار روسکوب اند، این درس بزرگ مبارزه را آموخته اند که فرجام پیروزمندند بر دشمن در گرو پیوند و وظایف میهنی و انقلابی شان با وظایف انترناسیونالیستی است. پیام همبستگی شورانگیز چندین اتحادیه بزرگ کارگری جهان با مبارزات قهرمانان کارگران ایران، از جمله کارگران ذوب آهن، کانادا، آفریقا و اعلام همبستگی متقابل کارگران پیشروی ایران با مبارزات قهرمانان و کم نظیر معدنچیان انگلیس، جلوه ای از روحیه عالی انترناسیونالیستی کارگران و بازناب احساس هم پیوندی سرنوشت آنان در نبرد با سرمایه است. در همین کتاب بیانیه و اعلامیه های اتحادیه های مهم کارگری انگلیس، فرانسه، آلمان، پاکستان و غیره در حمایت از مبارزات کارگران ایران انتشار یافته است. مادرزیر نمونه هایی از اعلامیه ها و نامه های کارگران فعال ایران در حمایت از معدنچیان قهرمان انگلیس را نیز می آوریم:

نامه ای از ایران برای معدنچیان اعتصابی بریتانیا

معدنچیان مبارز معادن ذغال سنگ بریتانیا!

من این نامه را از ایران برایتان می نویسم. من اعتصاب پر شور شما را از طریق رادیوها و مطبوعات مترقی جهان دنبال می کنم. و از پایداری شما غرق در شادی می شوم. مبارزه شما به طبقه کارگر همه کشورها و همه نیروهایی که در راه رهایی پرولتاریا می رزمند، نیرو و نشاط می دهد...

معدنچیان مبارز! من یک زمین شناس ایرانی هستم و تا کنون بیش از ده سال از عمرم را در معادن سر کرده ام. من از نزدیک با کارمشقت با رو سخت شما آشنا می دارم. با رها شدن سقف تونلها بسوده ام و دیده ام که با بروز هر حادثه ای چگونه جان دهها معدنچی زحمتکش قربانی سودجویی های سرمایه داران می شود. من با زندگی سخت و طاقت فرسای خانواده های کارگران معادن تماس مستقیم داشته ام و از همین رو با تمام وجود خود احساس می کنم که شما چه می گوئید و چه می خواهید... معدنچیان ایران بخش قابل توجهی از طبقه کارگر میهن ما را تشکیل می دهند. وضعیت مشقت با رکار روزندگی آنها خارج از توصیف است.

آنها مبارزه خود را در شرایط بسیار مشکلی پیش می برند. حکومت جمهوری اسلامی با خواسته های به حق آنان با سرنیزه، زندان، شکنجه و اعدام پاسخ می دهد. آنها دارای یک تجربه طولانی مبارزاتی هستند و مهیب ترین دیکتاتوریهایی نیز نمی تواند صدای آنها را خاموش سازد. معدنچیان ایران رزم شما را با دقت دنبال می کنند. متأسفانه خفقان موجود اجازه نمی دهد آنها همبستگی خود را با شما علناً ابراز دارند. اما آنان مبارزه شما را مبارزه خودشان می دانند... من از جانب تعدادی از رفقای معدنچی این نامه را برای شما می نویسم. همه آنها برای شما آرزوی موفقیت دارند و به این وسیله همبستگی خود و همه معدنچیان ایران را با شما اعلام می کنند...

دوستان عزیز!

من همراه این نامه معادل هزار تومان برای کمک به صندوق اعتصاب شما می فرستم. من خود به علت مبارزه با سرمایه داران زانو صفت و دولت حامی آنها از معدنی که در آن کار می کردم، اخراج شده ام و لذا نتوانستم به دلیل دست تنگی و نیز گرانی ارز خارجی بیشتر از اینها به شما کمک کنم. به همین لحاظ از شما پوزش می طلبم.

ب ۶۲/۷/۲۵

پیام عده ای از کارگران تهران

به رفقای کارگرای اعتصابی معادن انگلیس

ما کارگران تهران نسبت به بستن معادن و بیکاری عده زیادی از کارگران اعتراض نموده و همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام می نمایم.

رفقا!

کارگران ایران در شرایط اختناق و ترور در شرایط سرکوب جنبش کارگری ایران و پیگرد و شکنجه و اعدام رهبران سندیکایی ایران از طرف رژیم جمهوری اسلامی، از مبارزات همزمان خود در انگلیس حمایت می کنند. دولت انگلیس برای تأمین منافع سرمایه داران و با بستن معادن، برخیل بیکاری می افزاید و باعث فقر و خانه خرابی کارگران می گردد. ما کارگران تهران با افتخار با مبارزات شما که در برابر تحکم دولت سرمایه داران ایستاده اید، اعلام همبستگی می نمایم و اعتراض خود را نسبت به اقدامات ضد کارگری دولت محافظه کار اعلام می داریم.

عده ای از کارگران تهران

اعلامیه فعالین فدائی در معرفی و حمایت از اعتصاب دلیرانه معدنچیان انگلیس

از اعتصاب قهرمانانه کارگران انگلیس حمایت کنیم!
سازمانهای صنفی مستقل کارگران ایران را برپا داریم.

کارگران مبارز!

اعتصاب قهرمانانه کارگران معادن ذغال سنگ انگلیس وارد
نهمین ماه خود می شود، سرکوب وحشیانه حکومت سرمایه داران نیز
نتوانسته است به این مبارزه حق طلبانه پایان دهد. علت آن چیست؟
تشکل استوار کارگران اعتصابی، وجود اتحادیه های کارگری نیرومند،
همبستگی رزمجویانه سائیر بخشهای طبقه کارگران انگلیس و همه زحمتکشان
جهان، چنین است رمز پایداری و استواری جنبش اعتصابی کارگران
قهرمان انگلیس.

کارگران وزحمتکشان!

سازمانهای صنفی شماسنگرهای مستحکم و دژ تسخیرناشدنی شماست.
نبرد پیگیرانه کارگران معادن ذغال سنگ انگلیس به خاطر حقوق
حقه خود و علیه ظلم و بیبیداری سرمایه داران و حکومت حامی آنان، با
دیگر نشان می دهد که: "کارگران متحد همه چیز را گرفتار می سازد".

کارگران مبارز ایران!

زمان مداران مرتجع جمهوری اسلامی نیز اگر چه در حرف از مبارزه با
امپریالیسم انگلیس و "استکبار جهانی" سخن می گویند ولی بدانید
که در عمل راه سرمایه داران بزرگ و غارتگران زالوصفت و طریق
حمایت از جو رستم آنان را برگزیده اند. همچون کارگران اعتصابی
انگلیس به نبرد پیگیر علیه سرمایه داران و حکام حامی آنان برخیزید و
همچون نمونه اعتصاب متحدانه و ظفر نمون آنها، با ایجاد سازمانهای
صنفی مستقل، شوراهای سندیکاها و اتحادیه های کارگری خود، دژهای
استوارتان را در این رزم برپا سازید.

آبان ماه ۱۳۶۳

" ما همبستگی و اتحاد عمیق خود را با کلیه طبقات زحمتکش
جامعه در راه سرنوشتی رژیم وابسته به امپریالیسم اعلام کرده
و در راه ایجاد جامعه ای آزاد و دمکراتیک که منافع زحمتکشان
را تامین می کند مبارزه می کنیم...
ما همبستگی خود را با کارگران پیشرو صنعت نفته ماشین
سازی تبریز و سایر کارخانجات اعلام کرده و خواسته های آنها
را خواسته های خود می دانیم."

از قطعنامه کارگران کارخانجات بنز خاور- ۲۵ دیماه ۱۳۵۷

نقش و ضرورت هسته‌های مخفی کارگری

نیروی طبقه کارگر در تکوین انقلاب و پیروزی آن نقش قطعی داشت. در دوران پس از آن، طبقه کارگر از جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و سازشکار حمایت می‌کرد. محاصره اقتصادی امپریالیسم و اخلاگری ارتجاع و نیروهای سازشکار در تولید را با افزایش تولید خنثی می‌نمود. در دوران گسترش انقلاب، در مبارزه همه اقشار خلق برای تحقق آماجهای مشترک فعالانه شرکت داشت و گسترش این مبارزه را در تنظیم و طرح مطالبات خود منعکس می‌کرد.

کارگران ستون انقلاب بهمن بودند. در حفظ انقلاب و گسترش آن نقش قطعی داشتند. رهبران رژیم هم، آن زمان که هنوز به آماجهای انقلاب خیانت نکرده بودند، به این حقیقت اعتراف می‌کردند. اما با تغییر سیاست و سمت‌گیری رژیم هیات حاکمه فداکارانه‌های عظیم توده کارگران را نادیده می‌گرفتند. آنها مطالبات به حق آنان را برآورده نمی‌کنند، بلکه مبارزات کارگران را با خشونت سرکوب می‌کنند. چرخش هیات حاکمه به راست و تشدید مداوم مقابله آن با مبارزات کارگران، کارگران را در برابر شرایطی متفاوت با گذشته قرار داده است. در محافل کارگری ایران این واقعیت که حکومت در جبهه کلان سرمایه داران قرار گرفته است و از آن سنگریزه روی کارگران شلیک می‌کند با وضوح هرچه بیشتری پذیرفته می‌شود. در این محافل فعالین جنبش کارگری توده کارگران را دعوت می‌کنند که در مبارزات جاری، بر نیروی عظیم خود متکی شوند. تجربه جنبش قانون کار در زیر کشیدن توکل از وزارت و در کنار زدن قانون کار ارتجاعی او و رد پیش نویس ارتجاعی جدید و نیز تجربیات عملی مبارزات اخیر، توده کارگران را بیشتر قانع کرده است که راه نجات آنها در وحدت و تشکیلات است. در محیط‌های کارگری این فکر که راه خروج از وضع فلاکت با رکنونی عمل مستقل کارگران تحت رهبری شکل مستقل آنان است، نفوذ و اعتبار روزافزون می‌یابد. رسوخ این اندیشه در لایه‌های مختلف کارگری نیروی آنان را برای مبارزه آزاد می‌کند و نیروهای تازه و تازه‌تری از کارگران را به صفوف جنبش کارگری سرازیر می‌کند. تقویت دایمی جنبش کارگری با نیروهای تازه موجب آن شده است که سیاست سرکوب هیات حاکمه به نتایج دلخواه او منجر نشود و حکومت در جلوگیری از گسترش دامنه توده‌های مبارزه عاجز ماند. این واقعیت که تنها در شش ماه اول سال جاری حداقل صد مورد اعتصاب کارگری روی داده است، نشان‌دهنده عزم

راسخ کارگران به ادامه مبارزه در این شرایط سرکوب و خفقان و درماندگی هیات حاکمه در جلوگیری از گسترش این مبارزه است. در دور جدید مبارزات کارگری، تمایل توده کارگر به حرکات جمعی‌تر، دربرگیری روشهای موثرتر و مبارزه سازمان یافته تر تقویت شده است. این نیروی عظیم مبارزه را تنها و تنها می‌توان در سازمانهای علنی و مستقل کارگری سازمان داد و هدایت کرد. توده کارگران تشکیل مستقل کارگری می‌خواهند تا این سلاح را در دست بگیرند و علیه دشمنان خود بکارانند. از اینرو فشار کارگران برای ایجاد و حفظ و گسترش تشکل کارگری و برای خارج کردن رهبری تشکلهای کارگری حکومتی از دست عناصر و عوامل حکومت تشدید شده است. مایده کارگران یاری رساندن برای کسب پیروزی به تشکلهای واقعا کارگری مجهز شوند. با یاد از یک سودرواحدهای تولیدی یا خدماتی بویژه در واحدهای بزرگ، که بهر دلیل فاقد اینگونه تشکلهای هستند، آن را سازمان داد و از سوی دیگر تشکلهای موجود را نوسازی کرد و با طرد عناصر خائن و ضدکارگر از رهبری این تشکلهای آنان را در مواضع کارگران قرارداد.

ارتجاع همیشه کارگران را متفرق می‌خواهد. از وحدت و تشکلهای کارگران همواره بیمناک است. از اینرو به موازات تقویت مواضع ارتجاع در حاکمیت یورش به تشکلهای و تعارضات کارگری و تلاش برای متلاشی کردن و مسخ تشکلهای کارگری تشدید شده است. سیاست هیات حاکمه بر این پایه قرار گرفته است که توده کارگران را از فعالین جنبش کارگری و از تداوم رهبری تشکلهای واقعا کارگری محروم کند تا مقاومت کارگران را درهم شکند. بهمین دلیل حربیه اخراج و سرکوب بیش از هر زمان دیگر علیه کارگران بکار افتاده است.

همانطور که طبقه کارگر یورش ارتجاع در کسوت توکل را با شکست و رسوایی روبرو کرد، این بار نیز تلاشهای هیات حاکمه را با گسترش مبارزه مفتضحانه شکست خواهد داد. در همین راستا با ایداعات ضروری برای شکست کامل تلاشهای ارتجاع حاکم انجام شود. در پاسخ به این ضرورت باید با تجربه ترین و مبارزترین و موثرترین کارگران هر واحد تولیدی یا خدماتی در گروههای جداگانه، محدود و مخفی، سازمان یابند. وظیفه اصلی این گروه فعالین جنبش کارگری که آنها هسته مخفی فعالین کارگری می‌نامیم، رهبری مبارزه جاری کارگران، دفاع از خواستههای آنان و نیز تلاش مداوم برای ارتقاء خواستهها و سطح مبارزه توده کارگران است. هسته‌های مخفی باید گسترش نقش و تاثیر تشکلهای کارگری در رهبری مبارزه کارگران را در راس وظایف خود قرار دهند.

گرچه وظایف هسته‌های مخفی بطور کلی روشن است، اما وظایف مشخص آنها در تناسب با مرحله رشد جنبش توده‌ای کارگری وسط است.

مبارزه کارگران محل و غیره تعیین می شود. در نیمه دوم سال ۵۷ هدف مقدم جنبش توده ای و سندیکایی کارگران ایران سرنگونی رژیم استبدادی و سلطنتی شاه بود. وظایفی هم که فعالین جنبش کارگری در برابر کارگران می دیدند، ناشی از این هدف بود. برای این اساس شکل مخفی فعالین جنبش کارگری نیز همان هدف را تعقیب می کرد و شکل اصلی مبارزه را نیز اعتصاب و تحریم همگانی قراردادها بود. در آستانه انقلاب بهمن صدها کمیته مخفی فعالین کارگری از جمله مهمترین آنان که بنام سندیکاها مستقل صنعت نفت فعالیت می کردند، با این هدف پدید آمده بودند. اما اکنون وضع با آن زمان متفاوت است. اکنون مطالبات اقتصادی در مرکز توجه کارگران است. اهداف جنبش توده کارگران عمدتاً اقتصادی است.

جنبش کارگری با هدف دستیابی به اهداف صنفی و طبقاتی و در مبارزه برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک کارگران است که با ارگانهای سرکوب رژیم و حکومت جمهوری اسلامی نبردمی کنند. اکنون اعتصاب، کم کاری، تحصن، مراجعه دادخواهانه به مسئولین، طومار نویسی و غیره اشکال رایج مبارزه کارگران است. هر نوع تلاش هسته مخفی جهت تحمیل یک شکل مبارزه در حکم آسیب زدن به رابطه هسته با آن گروه از کارگران است که آمادگی ندارند آن شکل مبارزه را بکار گیرند. بر این اساس هسته مخفی چه به لحاظ شرایط عمومی کشور و چه به لحاظ سطح تکامل جنبش کارگری، همان کمیته اعتصاب نیست.

هسته مخفی، سندیکای مخفی هم نیست. اساساً سندیکای هر نوع شکل صنفی که از نظر کارگران مخفی بماند، بی معناست. سپردن وظایفی که سندیکا و تشکلهای کارگری بعهده می گیرند به هسته های مخفی، هم به کجراه کشیدن فداکارترین فعالین کارگران و هم محروم کردن کارگران از تجربه موثر آنان است.

علاوه بر آن جنبش کارگری شناسایی حق تشکیل سندیکاهای کارگری را با دادن قربانیهای بیشمار به رژیم پهلوی تحمیل کرد. البته رژیم منفور پهلوی مبارزه کارگران را با سرکوب مواجه می ساخت و امکان تشکیل آزادانه سندیکاها را مستقل کارگری را از میان برداشت. با این همه شناسایی این حق به تنهایی پیروزی بزرگی برای کارگران بود و رژیم شاه هرگز جرات نیافت آنرا پس بگیرد. این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قید شده و رسمیت یافته است. این رژیم نیز تاکنون جرات نیافته که این حق را بطور رسمی بازسناند. اما تلاش ارتجاع همواره متوجه آن بوده و هست که تشکلهای کارگری را متلاشی یا مسخ کند. تلاشهای ارتجاعی توکلی وزیر سابق کار و تلاشهای اخیر برای تحمیل پیش نویس جدید قانون کار و لایحه کذایی شوراهای اسلامی همین هدف را تعقیب کرده می کنند. اما این تلاشها هیچکدام به نتیجه مطلوب نرسیده است. بسیاری از تشکلهای کارگری باقی ماندند. برخی کانونهای منطقه ای کارگری به حیات خود ادامه

می دهند. هم اکنون برخی تشکلهای کارگری بویژه در بخش تعاونی مبارزات کارگران را رهبری می کنند. مبارزه توده کارگران تشکلهای موجود را فعالتر می کند و رهبری آنان را تحت فشار قرار می دهد تا خود را هر چه بیشتر با مواضع کارگران منطبق سازند. این مبارزات زمینه ایجاد تشکلهای جدید کارگری را فراهم می کنند. نشاندهنده هسته مخفی به جای تشکل رسمی و علنی کارگری جزو تشکلهای موجود از مبارزات جاری کارگران، جز منحرف کردن مبارزه کارگران و تشدید خصومت خود بخودی مبارزه آنان، هیچ نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد. هسته مخفی در برابر تشکلهای علنی کارگری قرار ندارد، بلکه تکیه گاه و تضمین کننده تداوم فعالیت آن است. رهبری تشکلهای علنی و مستقل کارگری بخشی از رهبری جنبش کارگری است که مبارزات کارگران را علنی رهبری می کند و هسته مخفی بخش دیگر آن است که در خلفا به وظایف خود عمل می کند. این دو مکمل یکدیگرند و نمونه ای از تلفیق هوشیارانه کار مخفی با کار علنی هستند. تحول شرایط تعیین می کند که کدام یک چه نقشی در مبارزه کارگران بر عهده گیرند.

بطریق اولی هسته مخفی کارگری یک گروه بندی سیاسی یا یک حوزه حزبی نیست. به سود مبارزه کارگران هر واحدی است که همه فعالین کارگری با تمام نیرو در رهبری مبارزه کارگران آن واحد شرکت کنند. این مشارکت پیروزی مبارزه را بیشتر تأمین می کند و استفاده کاملتر از تجربیات مبارزات گذشته کارگران را میسر می سازد. از اینرو اعضای هسته مخفی می توانند گرایشهای سیاسی و افکار اجتماعی و اعتقادات مذهبی متفاوت داشته باشند. مهم آن است که آنان مجرب، مطمئن و در رهبری موثر باشند و بتوانند مبارزات توده ای و سندیکایی کارگران را در جبهه مختلف آن هماهنگ کنند. هسته وحدت عمل همه کارگران را صرف نظراً عقاید مذهبی یا سیاسی آنان در مبارزه سازمان می دهد. از اینرو ترکیب و وظایف هسته مخفی با ترکیب و وظایف حوزه حزبی بکلی جداست.

وظایف هسته های مخفی، همان وظایف رهبری جنبش کارگری در سطح واحد مربوطه است. در شرایط کنونی مبارزه در راه افزایش دستمزد، بهبود شرایط زندگی و کار کارگران، جلوگیری از اخراج خودسرانه کارگران، تدوین و تصویب قانون کار مترقی، گسترش نقش تشکلهای سندیکایی و تعاونی کارگری و نیز مبارزه در راه استقرار صلح و تأمین آزادی و حقوق دمکراتیک کارگران، افشای سیاست ضد کارگری حکومت و نهادهای سرکوب و عوامل مرتجع آنها، پخش اخبار مبارزه و مقاومت کارگران و دیگر افعال خلق، رشوس و وظایف این هسته ها هستند. انجام طبق برنامه و نقشه این وظایف برای فعالیت ثمر بخش هسته ها، حائز اهمیت جدی است. تشخیص اینکه کدام خواستار مجموعه مطالبات کارگران در لحظه معین، حمایت بیشترین کارگران

را جلب می کند اهمیت فوق العاده دارد. پس از آن هسته مخفی باید نقشه روشن، درگرفتن آن خواست طراحی کند. تنظیم خواست کارگران، چگونگی جلب بیشترین نیروی کارگران به مبارزه، جستجوی راههای برخورداری از حمایت کارگران واحدهای دیگر، افزایش سهم تشکل علنی کارگری در رهبری مبارزه، پیش بینی اشکال مناسب حرکت و تجمع کارگران، چگونگی بی اثر کردن عوامل ارتجاع، پیش بینی راههای مقابله با یورش نهادهای سرکوبگر رژیم و غیره در برنامه عمل هسته باید مورد توجه قرار گیرد. رهبری طبق نقشه، امکانات پیروزی کارگران را افزایش می دهد و آنان را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگری آماده ترمی سازد.

مبارزه فعالین جنبش کارگری در راه افزایش تعداد، سهم و نقش هسته های مخفی در رهبری مبارزات کارگری در راستای سازمان یابی هرچه بیشتر جنبش کارگری ایران است. برای پیروزی مبارزه توده کارگران در نبردهای آینده، تشکیل هسته های مخفی فعالین کارگری ضرورت عاجل دارد.

"... ایجاد هسته های مخفی متشکل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب می کند. جنبش توده ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقا جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد..."

از قطعنامه پلنوم مهرماه کمیته مرکزی درباره اوضاع سیاسی جنبش توده ای و وظایف ما

سه اعتصاب بزرگ در واحدهای صنعتی

۱- اعتصاب قهرمانانه کارگران دخانیات

در پی تصمیم مسئولان کارخانه کاهش شیفت ها و افزایش ساعت کار شیفت به ۱۲ ساعت، اعتراض کارگران آغاز شد. به دنبال آن بی توجهی مسئولین کارخانه به درخواست کارگران، کارگران تصمیم گرفتند اعتصاب کنند. در ۱۱ دی ماه ۶۲ اعتصاب بزرگ دخانیات آغاز شد.

در این روز، اعتصاب ابتدا از یک بخش شروع شد و به سرعت بخش وینستون، هما، فیلترسازی و تمام کارخانه را دربرگرفت. با آغاز اعتصاب مسئولان وانجمن اسلامی به تکیا پوافتادند، تا شاید با موعظه و وعده اعتصاب را بشکنند. اما کارگران، هر مسئول یا عضو انجمن را که علیه اعتصاب سخن می گفت از جمع خود می راندند. بالاخره مسئولان کارخانه به سپاه سرکوبگر متوسل شدند. افراد سپاه به داخل کارخانه ریختند و کنترل آنرا به دست گرفتند، با ورود سپاه، بازداشت کارگران اعتصابی آغاز شد و در همان لحظات اول دهها کارگر بازداشت شدند. دستگیری کارگران در طول روز ادامه یافت. اعتصاب دزپی و وحشیگری چون آمیز سپاه و بازداشت گسترده کارگران، در اوایل خرداد به پایان رسید.

پس از پایان اعتصاب، سپاه همچنان در نقاط مختلف کارخانه باقی ماند. فشار بر کارگران برای افزایش تولید و ساعات کار همچنان ادامه یافت. آخرین اخبار از کارخانه حاکی است که مسئولان موفق نشده اند که کارگران را به ۱۲ ساعت کار قانع و راضی کنند. مبارزه کارگران همچنان برای ۸ ساعت کار ادامه دارد.

در جریان اعتصاب، انجمن اسلامی کارخانه در شناسایی و دستگیری اعتصابیون فعالانه مشارکت می کرد. انجمن اسلامی با مشارکت در سرکوب با نفرت کارگران روپرو شده است. کارگران یکی از اعضای فعال انجمن را در خانه فرج آباد به شدت مجروح کردند. او و بسیاری از اعضای انجمن، یا کارخانه یا انجمن را ترک کرده اند. تعداد اعضای انجمن از حدود ۴۰۰ نفر به کمتر از ۵۰ نفر رسیده است. همین وضع در مورد سپاه مستقر در کارخانه کما بیش روی داده است. پس از اعتصاب، ناراحتی و استعفا در سپاه مستقر در کارخانه گسترش

یافت، بسیاری از سپاهیان خواهان ترک کارخانه یا سپاه شدند. سخنرانیهایی مکرر روحانیون نیز برای نگهداشتن سپاه در واحدها نتایج نداد. بالاخره سپاه را از کارخانه خارج کردند.

در جریان اعتصاب بیش از ۲۰۰۰ کارگر با زداشت یا اخراج شدند. در میان آنها، کسانی هستند که سالها سابقه کار در کارخانه دارند. هنوز کارگران زندانی آزاد نشده اند و کارگران اخراجی بیکارند. یک سال پس از اعتصاب قهرمانان کارخانه، مسئولان به وعدههایی که به کارگران دادند، عمل نکرده اند. از این رو کارگران قهرمان بمنظور تحقق مطالبات خود همچنان مبارزه می کنند.

۲ - اعتصاب قهرمانان کارخانه کارگران شرکت ساسان (کانادادرای)

یکی از مهمترین اعتصابات کارگری در یک ساله اخیرا اعتصاب بزرگ کارگران کانادادرای بود. این اعتصاب قهرمانان نمودار برجسته ای از ایستادگی کارگران میهنمان علیه سیاست ضدکارگری رژیم است. مسئولان حکومت تلاش کردند و وحشیگری ارگانهای سرکوب علیه کارگران پنهان بماند، اما با فعالیت وسیع فداییان خلق ایران این تلاشها خنثی شد و ایستادگی اعتصابگران در برابر یورش ارگانهای سرکوب، در محافل کارگری ایران و کشورهای مختلف جهان با زتاب گسترده ای یافت و ماهیت ضد مردمی و چهره ضدکارگری سران رژیم بیشتر از پیش افشاء گردید.

کارخانه کانادادرای متعلق به شرکت ساسان است. این کارخانه زیر نظر بنیاد مستضعفان اداره می شود و حدود ۴۵۰۰ کارگر دارد. رژیم در گذشته نیز خواستهای کارگران را تا مین نمی کرد و کارگران در راه دستیابی به آن مبارزه می کردند. مهمترین خواست کارگران دریافت عادلانه حق بهره وری کار بود.

بعد از انقلاب کارگران مبارزان کارخانه با تشکیل شورای کارگران مطالبات خویش را پیگیری می کردند. آخرین شورای این کارخانه با تلاش کارگران مبارزان آگاه موفق به افزایش حق بهره وری بر مبنای ده ریال از فروش هر جعبه نوشابه شد. اما بلافاصله بعد از قرار گرفتن کارخانه زیر پوشش بنیاد مستضعفان و انتصاب مدیران کارخانه از طرف این بنیاد، اجرای طرح بهره وری بدین شکل قطع شد و طبق بخشنامه ای پرداخت آن به هر شش ماه یکبار تغییر کرد. کارگران با رها نسبت به کاهش حق بهره وری و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و کسرت حقوق خود برای جبهه اعتراض کردند و مطالبات خود را با مدیران این شرکت در میان گذاشتند. اما این اعتراضات بی نتیجه ماند تا اینکه بالاخره در تاریخ ۲۸ تیرماه دست از کار کشیدند.

اعتصاب از شیفتم سوم شروع شد و بتدریج بقیه شیفتها و بخش توزیع به آن پیوستند. رانندگان کامیونهای بخش توزیع را در صفهای طولانی در جلوی کارخانه پارک نمودند. خبر اعتصاب به سرعت در همه جا و بخصوص در کارخانه های مجاور "کانادادرای" پخش شد.

کارگران در صحن کارخانه تجمع کرده و خواهان آمدن عباس صفاکیش مدیر عامل کارخانه شدند، تا با او مذاکره کنند. در این فاصله تعدادی از کارگران مبارز پشت میز روغن رفته و سیاستهای ضدکارگری مسئولین و فساد اقتصادی که بر خود و خانواده هایشان وارد می شود را افشا

کردند، انجمن اسلامی کارخانه مرتباً گزارش اعتصاب کارگران را بنه دادستانی مرکزی داد و برای کارگران مبارز خط و نشان می کشید. صفا کیش حدود ساعت ۱۱ وارد کارخانه شده و در جواب خواهشهای کارگران همان حرفهای قبلی مبنی بر اینکه "من مجری دستورات دولت ... و کاری نمی توانم بکنم" را تکرار کرد. بتدریج مسئولین ارگانهای سرکوبگروا ز جمله رییس پلیس و شهربانی کل کشور وارد کارخانه شدند. آنان نیز در جواب توضیحات کارگران فقط تا کید می کردند که کارگران باید به سرکارها برگردند. با ایستادگی کارگران بالاخره هوشیار معاون شهربانی کل کشور به کارگران قول داد، که تا هفته آینده جواب قطعی به کارگران داده خواهد شد. در نتیجه این وعده، کارگران با مشورت یکدیگر به سرکارها بازمی گردند.

با توخالی درآمدن وعده، اعتصاب دوم آغاز می شود. شب قبل از اعتصاب دوم پنج تن از کمیته چپ های مسلح وارد کارخانه شده و یکی از کارگران مبارز را که در جریان اعتصاب دست به افشای سیاستهای ضد کارگری مسئولین جمهوری اسلامی زده بود، شدیداً کتک می زنند. هدف این جانان ایجاد رعب و وحشت در میان فعالین اعتصاب و شکستن آن بود. خبر این یورش دژ خیمانه کارگران را پیش از پیش خشمگین می کند.

صبح روز سه شنبه دوم مرداد اعتصاب آغاز می شود. همان روز افراد مسلح از طرف لاجوردی وارد محوطه کارخانه می شوند. کارگران جمع می شوند و فرمانده مزدوران شروع به تهدید کارگران کرده و می گوید: "لاجوردی زاکه می شناسید. برای اوسه هزار کارگر کانا دادای مسأله ای نیست. امام گفته اعتصاب حرام است و شما گناه کبیره کرده اید. در طول هفته اعتصاب، شما سوزه رادیوها شده اید و آبروی ما را برده اید. حتی اگر سرکارها رفتید شما راحت نخواهیم گذاشت." او در حالیکه با اسلحه کارگران را تهدید می کرد می گوید: "یا سرکار بروید یا همه تان را می کشیم" کارگران به سخنان وی اعتراض کرده و اعتصاب را ادامه می دهند. فرمانده سرکوبگران ماشینهای حامل افراد مسلح را داخل کارخانه کرده و در گوشه و کنار کارخانه مستقر می کند. عده ای از آنان دست به شناسایی کارگران زده و با لباسهای مبدل به میان کارگران می آیند. از ساعت ۱۲ ظهر افراد باندا لاجوردی اقدام به دستگیری کارگران در بیرون کارخانه کرده و در مقابل اعتراض کارگران شیفت دوم که خواهان ورود به کارخانه بودند به سوی آنان تیراندازی می کنند. در این حمله ددمنشان تعداد زیادی از کارگران زخمی و بیش از ۲۵ کارگر دستگیر می شوند. در جریان دستگیری عده ای از کارگران را که اعلامیه فداییان خلق (اکثریت) را به همراه داشتند، شدیداً مضروب می کنند.

انجمن اسلامی کارخانه در خلال اعتصاب و مبارزه کارگران به جاسوسی علیه آنها پرداخته، افراد مبارز را شناسایی می کرد و در جریان

دستگیری کارگران با دادستانی همکاری نزدیک داشت. طی این اعتصاب کارگران علناً تنفر خود را از اعضای انجمن اسلامی ابراز می داشتند.

در پی اعتصاب، فداییان خلق ایران دست به افشای وسیع زده و با پخش اعلامیه و تراکت خبر اعتصاب و ایستادگی کارگران را در دیگر کارخانه ها منعکس می کنند و کارگران سایر کارخانه ها را به اعلام همبستگی و حمایت از کارگران کانا دادای فرا می خوانند. با پخش خبر اعتصاب دوم و تیراندازی علیه کارگران، کارگران کارخانه های شیشه و گاز و سایر کارخانه های اطراف به کمک کارگران می شتابند. فضای کارخانه شیشه و گاز به کلی متشنج می شود. پاره ای از کارخانه ها از جمله داروپخش با صدور اعلامیه از اعتصاب کانا دادای حمایت می کنند.

شب چهارشنبه عوامل لاجوردی جنایتکار به کارخانه کارگران یورش برده و عده ای را نیز آنجا دستگیر می کنند. علیرغم این دستگیریها اعتصاب ادامه می یابد. تا اینکه مسئولان تصمیم می گیرند با تعطیل کارخانه به اعتصاب پایان دهند.

با فعالیت سازمان ما، اعتصاب در مجامع کارگری اکثر کشورهای با زتاب یافت. اتحادیه سندیکا های آلمان فدرال (د.گ.ب.طی) بیانیه ای حمله وحشیانه رژیم به اعتصابیون را محکوم و خواستار آزادی فوری کارگران زندانی شد. نمایندگان اتحادیه کارگری بریتانیا نقض خشن حقوق دمکراتیک کارگران توسط رژیم را محکوم کردند. "اتحادیه دمکراتیک کارگران ذوب آهن پاکستان" طی پیامی به کارگران مبارز سازمان حمایت و همبستگی خود را با آنان اعلام داشت.

علیرغم وحشیگری و جنایت ارگانهای رژیم علیه اعتصابگران دلیر، اکنون که چند ماه از اعتصاب می گذرد، تولید کارخانه به وضع عادی بازنگشته و کارگران همچنان به کم کاری و مبارزه خود ادامه می دهند.

اعلامیه فعالین سازمان

در حمایت از مبارزات کارگران سازمان

زنده باد مبارزه قهرمانانه کارگران شرکت ساسان (کانادا اداری)

هموطنان مبارز!
کارگران و زحمتکشان!

رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، مبارزه برحق کارگران شرکت ساسان را به خون کشید. کارگران این کارخانه برای افزایش دستمزد،

پیام همبستگی

"اتحادیه دموکراتیک کارگران ذوب آهن" پاکستان

پیام به کارگران کارخانه کانادا درای

دوستان و رفقای عزیز!

رهبران جمهوری اسلامی ایران در پی خیانت به آرمانهای انقلاب شکوهمند خلق ایران که طبقه کارگر نقش تعیین کننده در پیروزی آن داشت، اکنون به قلب جنبش ضدا مپریا لیستی و دمکراتیک مردم قهرمان ایران شلیک می کنند.

پاسداران منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به دستور حاکمان تبهکار رج. ا. شما و دیگر برادران تان را که در راه حقوق حقه سیاسی و صنفی خود پیکار می کنید، مورد تهاجم قرار می دهند.

ما با اندوه و خشم، اخبار مربوط به جنایتهای رهبران کارگرسئیز، جنگ طلب و آزادی کش رژیم ایران را می شنویم. و به پایداری دلاورانه کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران درود می فرستیم.

اعتراض شما که با دستگیری، شکنجه و کشتار مواجه شدیدی ز نمونههای درخشان هشیاری و وفاداری کارگران ایران به آرمانهای انقلاب ایران است.

ما کارگران ذوب آهن پاکستان همراه با دیگر برادران نمائندگان جنایات بی شرمانه حکومتگران خائن ایران را قویا محکوم می کنیم.

ما ضمن ابراز همبستگی عمیق با شما و سایر کارگران و وطنتان که با صدمورد اعتصاب در عرض شش ماه از امسال، لرزه براندام سرمایه داران و مرتجعین انداخته اید، اطمینان داریم کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام راه نیل به صلح، استقلال ملی و دمکراسی را خواهند گشود. پیروزی از آن شماست.

امضاء: عارف محمود
دبیر تشکیلات

پرداخت پاداش افزایش تولید و بعنوان اعتراض به کسر مستمر بخشی از دستمزدشان برای جنگ دست به اعتصابی یکپارچه زدند. نیروهای سرکوبگر رژیم به کارگران اعتصابی وحشیانه حمله نمودند. اما کارگران نیز با صفوف فشرده، متقابلا به مقاومتی قهرمانانه دست زدند. در جریان این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای نیز دستگیر شدند. کارگران بازداشت شده مدتی است در سیاهچالهای رژیم مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته اند. کشتار، زندان و شکنجه، چنین است پاسخ حکام مرتجع جمهوری اسلامی به حق طلبی کارگران.

برادران و خواهران کارگر!

صدای اعتراض خود را علیه این بربرمنشی زمامداران جمهوری اسلامی بلند کنید! آزادی کارگران در بند را بخواهید! با الهام از این مبارزه، یکپارچه و بطور متحد و متشکل به مبارزه در راه خواستهای حق طلبانه صنفی، اجتماعی و سیاسی خود برخیزید! فراموش نکنید که تنها صفوف متحد، متشکل شما می تواند سد محکمی در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم بوجود آورد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

فداییان خلق ایران (اکثریت)
غرب تهران - مرداد ماه ۱۳۶۳

بیانیه د. گ. ب. در حمایت از کارگران مبارز ساکن

اتحادیه سندیکا های آلمان فدرال (د. گ. ب.) در حمایت از خواستهای کارگران کانادا درای و محکومیت جنایات ارگان سرکوب رژیم علیه کارگران در سوم مهرماه بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است که:

"ما همبستگی خود را با خواستهای کارگران اعتصابی کارخانه کارخانه کانادا درای تهران، اعلام داشته و حمله وحشیانه رژیم ایران را به اعتصابیون محکوم می کنیم. ما خواهان آزادی فوری کارگران بازداشت شده هستیم.

* * * *

۳ - اعتصاب بزرگ کارگران ذوب آهن

اعتصاب بزرگ کارگران ذوب آهن چه از نظر خواسته‌های اعتصابیون و پیروزی‌هایی که بدست آوردند و چه از نظر آموزش‌هایی که این اعتصاب به سایر کارگران کشورمان می‌دهد شایان بررسی‌های هرچه دقیق‌تری است. اعتصاب بیش از ۱۵ هزار کارگر، تکنسین و مهندس و کارمندان ذوب آهن زمانی آغاز شد که مسئولان جمهوری اسلامی تصمیم گرفتند طرح ارتجاعی تعامولی کردن کارخانه را به اجرا بگذارند. این طرح را اولین بار در خرداد ۶۰ در کارخانه صنایع فولاد اهواز به اجرا گذاشتند. نتیجه آن بود که هزاران کارگر اخراج شدند، تشکل کارگران متلاشی شد و کارخانه بمدت طولانی تعطیل ماند. بار دوم این طرح در زمستان ۶۰ در بخش ساختمانی فولادشهر با جراد در آمد و در نتیجه آن ۲۵۰۰ کارگر اخراج شدند و کار توسعه مجتمع مختل شد. برای بار سوم در تابستان سال ۶۱ اجرای طرح را در بخش‌هایی از ذوب آهن اصفهان در دستور قرار دادند. هدف اصلی مرتجعان اینبار نیز باز کردن راه چنگ اندازی سرمایه داران بزرگ در صنعت فولاد سازی بود. کارگران و کارکنان ذوب آهن که با نتایج ارتجاعی طرح آشنائی کافی داشتند، با قدرت در برابر اجرای طرح ایستادند. سران رژیم با گسیل امای کاشانی و پرورش به اصفهان و با راه اندازی تبلیغات عوام فریبانه در مطبوعات، رادیو تلویزیون و در مساجد علیه کارگران، تلاش کردند که زمینیه سرکوب کارگران و اجرای طرح را فراهم کنند. مبلغان رژیم نهایت تلاش را در تهییج احساسات مذهبی مردم عادی علیه ایستادگی کارگران بکار بستند. اما می‌کاشانی در مسجد سید اصفهان در آن زمان گفت که مقابله کارگران با این طرح مقابله با "امام زمان" است. استاندار و مسئولان سپاه و غیره در میزگرد تلویزیون، مقاومت کارگران را نتیجه تحریکات کمونیست‌ها معرفی کردند. با اینحال تلاش‌های سران رژیم شکست خورد و کارگران ذوب آهن پیروز شدند و طرح برای مدتی کنار گذاشته شد.

ذوب آهن ۲۸ آبان ۶۳ مسئولان حکومت با ردیگر تصمیم گرفتند این طرح را که یکی از نتایج اجرای آن اخراج بیش از ۱۸ هزار کارگر بود به اجرا بگذارند. طبق تصمیم مسئولین مرتجع، اجرای طرح از بخش ساختمانی، کک سازی و انبارهای کک آغاز میشد. در ۴ آذرماه کارگران این بخشها علیه اجرای طرح اعتصاب کردند. علاوه بر آن کارگران و کارکنان ذوب آهن یک هیات ۵ نفری متشکل از ۴ مرد و یک زن را جهت مذاکره با مسئولین برای لغو طرح برگزیدند. هیات منتخب کارکنان تا ۸ آذر به مقامات حکومتی فرصت دادند

که طرح را ملغی اعلام کنند و گفتند که در غیر این صورت اعتصاب را همگانی خواهند کرد. در برابر تهدید سپاه و انجمن اسلامی کارگران گروه گروه به اعتصاب می‌پیوندند و موج حمایت از اعتصابگران و همبستگی با آنان گسترش می‌یابد. کارگران در صنایع فولاد اصفهان نیز از اعتصاب کارگران حمایت میکنند و به اعتصاب می‌پیوندند. آنها با نصب پلاکار در پارچه در زرین شهر همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام می‌کنند. سپاه در ۷ آذر به اعتصابگران حمله میکند. گروه زیادی از فعالین اعتصاب، از جمله ۸ مهندس را بازداشت و برای بسیاری حکم اخراج صادر میکند. در تکمیل اقدامات سرکوبگرانه سپاه اتحادیه انجمن های اسلامی کارخانه اعضای خود را مسلح و در سرکوب و شناسائی اعتصابگران فعالانسه مشارکت میکنند. اتحادیه انجمن های اسلامی بکمک اراذل مسلح خود تلاش میکنند با تحریک کارگران علیه یکدیگر، فضا را متشنج کند و یکپارچگی کارگران را بشکند.

در برابر پرورش تازه نیروهای سرکوب، اعتصاب گسترش می‌یابد و بیش از ۱۵ هزار نفر در آن شرکت میکنند و در ۱۰ آذر اعتصاب به اوج میرسد. کارگران علاوه بر خواسته‌های قبلی، خواهان آزادی همکاران خود نیز میشوند. موج همبستگی با اعتصابگران در کشور و در خارج آن گسترش می‌یابد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به حمایت از خواست برحق اعتصابگران ذوب آهن و افشای اهداف ضد ملی توطئه تقسیم مجتمع ذوب آهن و سپردن واحدهای سودآور آن به گلان سرمایه داران، اعلامیه مشترکی صادر میکنند. اعلامیه مشترک، کارکنان واحدهای مختلف ذوب آهن، کارگران دیگر موسسات صنعتی کشور و سازمانهای مهم کارگری کشورهای مختلف را به اعلام همبستگی با اعتصابگران فرا میخواند. در پی ایستادگی و مقاومت کارگران اعتصابی، کارگران پالایشگاه اصفهان همبستگی خود را با آنان اعلام میکنند. کارگران فولاد مبارکه نیز همبستگی خود را با کارگران اعلام میکنند. در دیگر موسسات صنعتی اصفهان فعالیت در بین کارگران برای اعلام همبستگی با اعتصابگران شدت می‌یابد در ۱۲ آذر استاندار در کارخانه سخنرانی میکند و با دادن وعده و وعید سعی میکند که اعتصاب را بشکند. وقتی موفق نمیشود عصر همان روز در تلویزیون مردم را علیه کارگران تحریک میکند. اما همه این تلاشها شکست میخورد. اما ما مان جمعیه نیز تلاش میکنند از طریق تریبون مساجد احساسات مذهبی مردم را علیه کارگران برانگیزند. اما مردم در هر جا که صحبت میکردند خواهان ادامه ایستادگی و مقاومت از سوی کارگران بودند و با آنان ابراز همدردی میکردند. علاوه بر آن در پی انعکاس مبارزات کارگران در خارج از کشور

توسط نشریات سازمان ما، سندیکای فلزکاران جمهوری فدرال آلمان (شعبه اسن) ونیز سندیکای کارگران چوب ومصنوعات آلمان فدرال درنامه اعتراضیه خودبه سفیر جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری کارگران زندانی ذوب آهن شدند وهمبستگی خودرا باکارگران اعلام کردند. دربریتانیا، اتحادیه معدنچیان ناحیه کنت درحمایت از اعتصابگران ذوب آهن قطعنامه های صادر کردند. درفرانسه، دبیر کنفدراسیون فرانسوی کارگران (C.G.T) ازطرف اعضاء وسازمانهای عضو این کنفدراسیون درحمایت از خواست کارگران ذوب آهن ودرهمبستگی با آنان بیانیه صادر کرد. همچنین روزنامه های "امانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه و"شفق شمالی" ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، و"ارهایت" ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی، مورینگ استار ودیگر روزنامه های معتبر، خبراعتصاب را وسیعاً منعکس کردند و سیاست سرکوب رژیم را محکوم نمودند.

باگسترش ایستادگی کارگران ذوب آهن وموج همبستگی با آنان درداخل وخارج ازکشور، سران رژیم مجبور به عقب نشینی شدند. درغیرآذریت اله خمینی به نماینده خود دراصفهان دستورات داد مادنماز جمعه اعتصابگران را ازعقب نشینی سران رژیم مطلع کند. طاهری گفت: "... امروز ازدفتر امام تلفنی تماس گرفتند وگفتند که امام گفته طاهری کجاست، تهران است؟ پاسخ میگویند که نه اصفهان رفته. امام خیلی خوشحال میشود ومی فرمایند به طاهری بگوئید این غائله را حل کند. من تلفن زدم به دفتر امام که چطوری حل کنیم... کارگران عزیز اجازه ندهید دشمن سوء استفاده کند. آنها از رادیوهای خود جا روجنجبال راه انداخته اند که بله فلان شده... فدائیان خلق گفته اند کارتمام است. ما شماراتعاونی نمی کنیم. از طرح تعاونی تجربه تلخ داریم، شکست خورده است. شما را استخدام رسمی میکنیم یا هر شکل دیگر که شما معقول پیشنهاد کنید... من دست وپای شما را می بوسم. بروید سرکار تا مادستهای را کسه درکار بوده است بشناسیم." این سخنان هم عجز زمامداران رژیم وهم قدرت اتحاد کارگران هر دورا بخوبی نشان میدهد. صرف نظر ازاینکه مسئولان تاچه حد به وعده وفا کنند، این یک پیروزی بزرگ کارگران است.

اعتصاب بزرگ ذوب آهن رویاروئی بزرگ کارگران ما با سیاست ضدکارگری هیات حاکمه است. نتیجه این رویاروئی بسود کارگران بوده است. این پیروزی نتیجه اتحاد عمل کارگران بوده است.

* * *

"موج نوین نبرداعتصابی کارگران وعکس العمل وحشیانه رژیم

زمانی آغازمی شودکه رهبران جمهوری اسلامی سیاست ضد مردمی و احیای نظام سرمایه داری وابسته ونوسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم وانحصارهای غارتگر خارجی را درپیش گرفته اند و با ادامه جنگ خانمان سوز وبی حاصل میهن ما را در آستانه ورشکستگی کامل اقتصادی ومالی قرار داده اند.

سردمداران رژیم با خیانت آشکار به آماجهای مردمی انقلاب، یگانه راه حل مشکلاتی را که با آنها روبرو هستند در تاجا وزبه منافع توده های زحمتکش می بینند. آنها برای اجرای سیاست ضد مردمی خود، ههانند دوران ستم شاهي از ارگانهای سرکوبگر مدد می گیرند... اما گسترش نبرداعتصابی کارگران ایران واز جمله اعتصاب ده هزار نفری کارگران قهرمان ذوب آهن موید شکست سیاست ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی است....

ما همه کارکنان واحدهای مختلف مجتمع ذوب آهن در دیگر شهرها ونیز کلیه کارگران سایر موسسات صنعتی را فرا می خوانیم تا با سازمان دادن اعتصابها وتظاهرات همبستگی، به یاری برادران خود در اصفهان بشتابند و جنایت ارگانهای سرکوبگر رژیم را محکوم کنند...."

از اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
و کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت اعتصاب بزرگ ذوب آهن

پیامهای پشتیبانی

از کارگران اعتصابی کارگران ذوب آهن اصفهان

به دفاع از خواسته های برحق کارگران ذوب آهن بپاییزیم!

هم میهنان مبارز!

کارگران قهرمان ذوب آهن برای جلوگیری از اخراج و بیکاری نکبت بار دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. جهت رسا تر کردن فریاد آنها و تحقق خواسته های برحق کارگران اعتصابی پشتیبانی خود را از آنها اعلام کنیم.

فداییان خلق ایران (اکثریت)
اصفهان ۱۰ آذر ۶۳

بیانیه پیرژانسو، دبیر کنفدراسیون فرانسوی

کار (C.G.T) درباره جنبش اعتصابی در ایران

اعتصاب بیش از ده هزار زحمتکش مجتمع ذوب آهن اصفهان، نشانه رد سیاستهای خمینی توسط زحمتکشان ایران است، سیاستهایی که در تمامی زمینه ها شرایط کار و زندگی همه توده های رنجبر را وخیم تر می کند.

اعضا و سازمانهای کنفدراسیون فرانسوی کار (ث. ژ. ت) که مدافعین وفادار حقوق بشر و آزادیهای سندیکایی و دمکراتیک هستند، این رژیم را که تنها از طریق اعمال نفرت انگیزترین نوع سرکوب علیه مبارزان راه آزادی و دمکراسی به حیات خویش ادامه می دهد، محکوم می کنند.

زحمتکشان ایران می توانند مطمئن باشند که "ث. ژ. ت" با آنان احساس همبستگی کامل می کند و فعالیتهای خویش را، در جهت پایان دادن به سرکوب، اختناق و شکنجه و نیز برای آزادی همه زندانیانی که گناهشان دارا بودن عقیده و آرمان دیگری است، به پیش می برد، زندانیانی که دادگاههای فرمایشی شان، نمی تواند سرپوشی باشد بر لگدمال شدن سیستماتیک حقوق بشر از طرف رژیم تهران.

مونتروی - ۱۲ دسامبر ۱۹۸۴

نامه اعتراضی از سوی سندیکای فلزکاران جمهوری فدرال آلمان (شعبه اسن) برای سفیر جمهوری اسلامی در برن

"جناب آقای سفیر!"

بانگرانی بسیار مطلع شدیم که دولت جمهوری اسلامی ایران، ده هزار کارگر ذوب آهن دولتی اصفهان را - که برای حقوق سندیکایی و دمکراتیک خویش مبارزه می کنند و خواستار حقوق اجتماعی، رعایت حقوق بشر و بهبود شرایط زندگی و محیط کار خویش هستند - توسط ارتش اسلامی با خشونت سرکوب می نماید.

در عین حال مطلع گشته ایم که حکومت جمهوری اسلامی با اپوزیسیون و نیروهای دمکراتیک در کشور، به نحو وحشیانه ای مقابله می کند. ما شدیداً علیه اقدامات ضد انسانی و ضد کارگری حکومت اعتراض کرده و همبستگی خود را با کارگران ذوب آهن اعلام می داریم.

- ما خواهان آزادی فوری کارگران ذوب آهن اصفهان هستیم.

امضا: کارل ماینس فولکر

* * * *

* مشابه اعتراض نامه فوق از سوی سندیکای کارگران چوب و مصنوعات آلمان فدرال خطاب به سفیر رژیم انتشار یافته است.

* * * *

* در بریتانیا اتحادیه معدنچیان ناحیه کنت با صدور قطعنامه ای از کارگران اعتصابی اصفهان پشتیبانی کردند. این قطعنامه از سوی باب موریسون هماهنگ کننده اعتصاب بزرگ معدنچیان انگلیس صادر شده است.

ما میدانیم که اعتماد ما عامل قطعی است.
ما اقتصاد کشور را در دست داریم.

کارگران نفت در محابه با "اومانته دیمانش" - ۲۵ دسامبر ۱۹۷۸